

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۳

جمعه ۱۴ خرداد ۱۴۰۰ - ۴ ژوئن ۲۰۲۱



انتخابات، جنبش سرنگونی و انقلاب

حمید تقوائی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

رای بی رای بهانه است، کل نظام نشانه است.
ما جمهوری اسلامی را نمی خواهیم. حرف ما این است.

#رای_ما_سرنگونی

در این شماره انترناسیونال:	شماره صفحه:
انتخابات، جنبش سرنگونی و انقلاب. حمید تقوائی	۱، ۲، ۳ و ۴
کارگران نفت به میدان می آیند. شهلا دانشفر	۵، ۶ و ۷
وحشت حکومت از کف خیابان! محسن ابراهیمی	۸ و ۹
جنگ گرگها و انقلاب. حمید صداقت	۹
اندیشه و سیاست: در مورد دموکراسی و حقوق بشر. کاظم نیکخواه	۱۰، ۱۱ و ۱۲
از مدیای اجتماعی حزب	۱۳ و ۱۴
اطلاعییهای حزب	۱۵، ۱۶ و ۱۷

خلیل کیوان: جمهوری اسلامی با چیدمان و شرایطی که در آستانه انتخابات ایجاد کرده است به دنبال چیست؟ چرا بنحو کم سابقه ای همه کاندیداهای جناح های رقیب را غربال کرده است و از برگزاری یک انتخابات رقابتی حتی میان جناح ها و گرایش های درونی خود هم اجتناب میکند؟ جمهوری اسلامی به کجا میرود؟ رابطه جناح ها با یکدیگر چگونه خواهد شد؟ با توجه به انقباض پیش از پیش هسته سخت حکومتی و محدود شدن پایه های حکومت و انسداد مطلق، جامعه چگونه عکس العمل نشان خواهد داد؟ آیا جمهوری اسلامی موفق میشود شرایط سالهای ۶۰ و سرکوب را احیا کند و خود را برای مدت طولانی در قدرت نگه دارد؟ آیا انفجار و انقلابی در راه است و حکومت خود را برای این تقابل آماده میکند؟ جنبش سرنگونی چه مختصاتی بخود خواهد گرفت؟ جنبش سرنگونی و انقلابی چگونه باید برای شرایط پسا انتخاباتی آماده شود؟ در مورد این موضوعات با حمید تقوائی گفتگو میکنیم.

حمید تقوائی: به نظر من عامل اصلی ایجاد این وضعیت، آنچه باعث شده ما شاهد چنین "انتخاباتی" باشیم، اینست که جامعه در یک سطح بسیار گسترده و رادیکال و صریحی مقابل حکومت قرار گرفته است. این تقابل آشکار و قطبی شرایط را کاملا عوض کرده است.

همانطور که اشاره کردید انتخابات گذشته هم با هیچ معیاری انتخابات نبود. ما در جمهوری اسلامی هیچوقت انتخابات نداشته ایم. انتصاباتی بوده است که با معماری خود حکومت انجام میشده و هر کس را هم که میخواستند اند از همانطور که اشاره کردید انتخابات گذشته هم با هیچ معیاری انتخابات نبود. ما در جمهوری اسلامی هیچوقت انتخابات نداشته ایم. انتصاباتی بوده است که با معماری خود حکومت انجام میشده و هر کس را هم که میخواستند اند از

سندوق بیرون می آوردند. فرق این دوره با گذشته اینست که قبلا برای بازارگرمی سعی می کردند نوعی رقابت بین جناحها شکل بگیرد و وعده های لفظی ای به مردم داده شود و کلا تلاش می کردند نشان بدهند که حکومت پایگاه و نفوذی در جامعه دارد. آن دوره گذشت. هم از نظر مردم و هم از نظر حکومت. قبلا و مشخصا قبل از خیزش ۹۶، بالاخره بخشی از جامعه تصور میکرد با رای دادن به کاندیداهای دوحرداری خامنه ای را عقب میراند و به دعوای حکومتیها دامن میزند و مردم میتوانند از این شرایط برای تعرض بیشتر به کل حکومت استفاده بکنند. این نوع

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

است به محملی برای اینکه مردم بر سرنگونی تأکید کنند. از جمله مادران آبان علنا در ویدئو کلیپی اعلام میکنند رای ما سرنگونی است و به این ترتیب از تحریم انتخابات فراتر میروند و کل موجودیت جمهوری اسلامی را به چالش میکشند.

در این شرایط نه تنها دیگر حکومت آن توان و امکانات سرکوب و کشتارهای دهه شصت را ندارد بلکه از نظر سیاسی و توازن قوا و فضای کلی جامعه هم در موقعیتی ضعیف تر از همیشه قرار گرفته است. اینجا حکومت نه با ادامه انقلاب ضد سلطنتی، بکه با خطر انقلاب بمراتب گسترده تر و گوننده تری علیه خود روبروست. حکومت حتی و نفوذ اجتماعی و ادعای مستضعف پناهی را هم کنار گذاشته است. خامنه ای بعد از خیزش ۹۸ رسماً اعلام کرد که مستضعف یعنی اولیای الله! که منظورش خودش و بیت رهبری و آخوندهای دانه درشتی نظیر خودش بود. مجبور بود برای توجیه و آرام کردن نیروهای بسیجی که علیه مردم آتش به اختیار شان کرده بود این حرف را بزند. میخواهم بگویم حتی در لفظ هم اینها هیچ رابطه ای با مردم ندارند. امر و هدف اعلام شده شان دفاع از ولی فقیه و حکومت الله است و پس. و هرکس هم که با این بساط مخالف است خودش حلال است.

بر متن این شرایط انتخابات به امری تماماً پوچ و یک مضحکه تمام عیار تبدیل میشود که حتی برخی از مقامات حکومتی هم آنرا انتصابات مینامند.

خلیل کیوان: جدال جناح ها در پس انتخابات به چه صورت خواهد بود؟ از مقطع جنبش موسوم به دوم خرداد در اواخر دهه هفتاد اصلاح طلبان با ایجاد توهم حکومت را از خطر سرنگونی نجات دادند. اینها عملاً در استمرار وضع موجود سهیم اند. سرنوشت اینها چه خواهد شد؟ جناح های دیگر

شاه نوبت آمریکاست و تسخیر سفارت آمریکا و بدنبال آن بخصوص آغاز جنگ با عراق به حکومت امکان داد تا به بهانه و در پناه این تحولات جامعه را به صلابه بکشد. به مردم میگفتند نفس نکشید چون درگیر جنگ با عراق و آمریکا هستیم. ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده به کردستان لشکر کشی کرد، دانشگاهها را کوبید، شوراها را که در سطح وسیعی تشکیل شده بود برچید، نیروهای چپ و مخالف خود را از دم تیغ گذراند و هزاران نفر را اعدام کرد و غیره و غیره.

امروز نه تنها آن شرایط وجود ندارد بلکه برعکس شاهد تعرض جامعه هستیم. از ۹۶ تا امروز دو جنبش عظیم توده ای سر بلند کرده است و حکومت هم با نهایت خشونت و توحش به این خیزش ها برخورد کرده است اما نتوانسته است جامعه را مرعوب و مختنق کند. خیزش توده ای ۹۶، علیرغم سرکوبگریها، بعد از دو سال خیزش توده ای تر و رادیکال تری را بدنبال خود داشت. و امروز هم شاهد هستیم که خود انتخابات تبدیل شده

و کنار گذاشتند. اینجا دیگر حتی ظاهر سازی ای هم در کار نیست. انتخاباتی برگزار میشود و همه هم میدانند قرار است رئیسی از صندوق بیرون بیاید. این بیش از هر چیز نشان دهنده ضعف و درماندگی کامل حکومت است.

خلیل کیوان: با این حال حکومت یک حالت تهجمی به خودش گرفته است و به نظر میرسد میخواهد ایجاد رعب و وحشت کند و فضا را سنگین کند. آیا جمهوری اسلامی میتواند با تهدید و سرکوب و خونریزی سالهای وحشت دهه شصت را مجدداً زنده کند؟

حمید تقوائی: بهیچوجه. سرکوب دهه شصت اقدام سرکوبگرانه ای بود در برابر انقلاب ۵۷ که سر باز ایستادن مردم از خواستههای انقلاب شان کوتاه نمی آمدند و ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده شروع کرد به سرکوب مردم برای آنکه از ادامه انقلاب جلوگیری کند. و امکانات و ابزارهای هم برای سرکوب در اختیار داشت. شعار مرگ بر آمریکا و بعد از



با این ترتیب با یک حالت سیاه و سفید و کاملاً قطبی روبرو هستیم. در یکسو حکومتی است که میزند و میکشد و به سر مردم شلیک میکند و با این حال نتوانسته است جامعه را مرعوب کند. حکومتی که میدانند مورد تنفر کل مردم است و بر آتشفشان خشم مردم نشسته است. و در سوی دیگر مردمی که عزم جزم کرده اند این حکومت را بزیر بکشند. این شرایط باعث شده است که از خیر مانور دادن های انتخاباتی بگذرند و تلاش کنند که حول خط ولایت فقیه نظامشان را یکپارچه کنند. در نتیجه حتی کاندیداهائی که ممکن است اندک زاویه ای با خط ولایت فقیه داشته باشند را رد صلاحیت کردند

محاسبات هم دوره اش اش گذشته است. شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" پرونده کل حکومت و بازیهای جناحی را در انظار جامعه برای همیشه بست.

از نظر حکومت هم دیگر برپائی نمایش انتخاباتی و حتی تظاهر به برخورداری از رای اکثریت مردم نه امکان پذیر است و نه دردی از او دوا میکند. مردم را در هوا و زمین کشته اند و بجز سرکوب و ارعاب و کشتار بیشتر راهی برای ادامه بقا ندارند. اسلحه اربابشان هم هر روز کند تر و بی اثر تر میشود. انتخابات برای چنین حکومتی همان جایگاه را دارد که مثلاً برای دیکتاتور خونریزی نظیر پینوشه داشت.



ادامه از صفحه ۲

چه؟ آیا جمهوری اسلامی یکدست میشود؟

حمید تقوائی: اینها تلاش میکنند که خودشان را یکدست کنند ولی این ممکن نیست. جناح "اصلاح طلب"، که اسم درست ترش جناح "استحاله" است (چون هیچ اصلاحی بجز اضافه کردن لیخنه به سرکوب در کار اینها نمی بینید)، ارزش مصرفش را برای حکومت از دست داده است. ارزش مصرف این جناح برای جمهوری اسلامی این بود که مردم به ستوه آمده از حکومت را با وعده اسلام نرم تر معتدل تر آرام کند. و در این بازی از جمله با گرم کردن تنور انتخابات خودش را در قدرت نگه دارد. ولی امروز زمین زیر پای حکومت چنان داغ شده و وضعیت چنان وخیم است که حتی همین نوع مانورها هم به ضررش تمام میشود. تشخیص داده است که حتی غروندهای زیر لبی استحاله چی ها تعرض مردم علیه کل حکومت را تشدید و گسترده تر میکند.

از سوی دیگر غروندهای حکومتی ها هم تند تر و علنی تر شده است. کسی مثل احمدی نژاد که حتی دو خردادی هم نیست، و برگزیده خامنه ای در انتخابات سه دوره قبل بود، امروز به مخالفی تبدیل شده که از سیل قریب الوقوع و تحولی زیور و کننده تر از بهمن ۵۷ صحبت میکند. بنابراین داستان استفاده از دو خرداد برای تزئین ویتترین حکومت تماما به انتها رسیده است.

با این همه این شرایط به معنی حذف دو خرداد از صحنه سیاسی نیست. به نظر من خط استحاله همزاد جمهوری اسلامی است و هر اندازه هم دستش از ارگانهای قدرت کوتاه شود در صحنه سیاسی باقی خواهد ماند. تا وقتی جمهوری اسلامی هست کشمکش های جناحی پایان نخواهد گرفت و حتی حادثه هم خواهد شد. در حکومتی که به سرانسیب سقوط افتاده هر کسی از داخل حکومتی ها و جناحها سر بلند میکند با این ادعا که

همه با هم روز ۵ ژوئن با برگزاری تجمعات اعتراضی در سراسر جهان فریاد خواهیم زد:

#رای_بی_رای

#رای_ما_سرنگونی



موضوعیت سیاسی خودش را از دست خواهد داد و جامعه به رادیکال ترین و انقلابی ترین نیروی اپوزیسیون، به حزبی نظیر حزب ما که نه بخاطر هم رنگ جماعت شدن بلکه بر مبنای برنامه و امر و هدف همیشگی اش خط انقلاب و تغییر بنیادی اوضاع را دنبال کرده است روی خواهد آورد.

خلیل کیوان: یک شرط شکل گیری انقلاب و بالطبع توجه به آلترناتیوها و احزاب انقلابی، همه گیری گفتمان انقلاب است. تغییر ذهنیت فعالین اجتماعی و چرخش آنها ب سمت نیروهای انقلابی است. انتخاب آلترناتیو هاست. عروج یک رهبری برای انقلاب است. چه تحولاتی در این زمینه قابل مشاهده است؟

حمید تقوائی: با توضیحاتی که دادم باید پاسخ این سؤال شما نیز روشن شده باشد. حزبی میتواند به رهبری انقلاب عروج کند که برنامه و استراتژی و

در اپوزیسیون چنین گفتمان و تصویری ندارد. چون اگر خودش را با حرکت رادیکال خیابان وفق ندهد به شرایط سیاسی جامعه بی ربط میشود. به این دلیل است که همه از انفجار اجتماعی و قریب الوقوع بودن انقلاب صحبت میکنند. هر حزبی اگر بخواهد در سیاست جایی داشته باشد ناگزیر است با این جو و فضای سیاسی خودش را منطبق کند. اما این امر به این معنی نیست که همه نیروهای سیاسی تصویر و تبیین واحدی از انقلاب و از سرنگونی حکومت دارند. مردم خواهان و نیازمند سرنگونی به معنی در هم کوبیدن کل حکومت و دولت مافوق مردم و ریشه ای ترین و جامع ترین تغییرات هستند. اما تصور نیروهای اپوزیسیون راست از سرنگونی این نیست. برعکس، آنها خواهان برکناری رژیم با کمترین تغییرات ممکن هستند.

به نظر من با گسترده تر و عمیق تر شدن حرکت میدانی مردم استراتژی کمترین تغییرات نیز

اینست که حرکت میدانی مردم با شعار و اعلام سرنگونی نقش محوری ای در شکل دادن به شرایط سیاسی یافته است. کمتر اعتراضی است که به کیفرخواستی علیه حکومت تبدیل نشود. ما هشت مارس و اول مه امسال را شاهد بودیم. این روزها فقط روزهای دفاع از جنبش کارگری و یا اعلام حمایت از حقوق زنان نبود، بلکه کیفرخواستی علیه کل حکومت هم بود. در جریان همین انتخابات می بینید که دیگر بحث بر سر حتی تحریم نیست. مردم میگویند رای ما سرنگونی است. وضعیت طوری است که جامعه در ابعادی رادیکال تر و گسترده تر از گذشته در برابر حکومت قرار گرفته است.

بازتاب و انعکاس این وضعیت را در احزاب و نیروهای اپوزیسیون مشاهده میکنید. میدانید دوره ای بود که بحث رژیم چنج و حمله نظامی و تغییرات از بالا و بحران آفرینی در مرزها و غیره مطرح بود. امروز دیگر هیچ حزبی

"راه حل نزد من است". این نوع گفتمانها در میان صفوف حکومت بیشتر خواهد شد. ممکن است اشکال قبلی را نداشته باشد و در قالب رقابت اصلاح طلب اصولگرا خود را نشان ندهد ولی در هر حال این نوع کشمکشها بعد از انتخابات نه تنها تمام نخواهد شد بلکه گسترش پیدا خواهد کرد و حادثه خواهد شد.

خلیل کیوان: شما نزدیک به دو دهه است بکرات از ضرورت انقلاب و سرنگونی حکومت با قدرت مردم نوشته اید و صحبت کرده اید. اکنون با نگاهی به مباحثی که در رسانه ها در جریان است می بینم که مفسرین، فیلسوفان سیاسی، تحلیل گران و ژورنالیست های بسیاری هم از قریب الوقوع بودن انفجار و انقلاب صحبت میکنند. آیا تصویر واحدی در میان کسانی که از این روند صحبت میکنند، وجود دارد؟ سناریوهای احتمالی چه خواهد بود؟

حمید تقوائی: اساس مسئله

ادامه از صفحه ۳

سیاست و پراتیک همیشگی اش بر این مبنا استوار باشد. همانطور که اشاره کردم هر حزبی که نخواهد موضوعیت سیاسی خود را از دست بدهد ناگزیر است از سرنگونی صحبت کند اما رهبری انقلاب از دنباله روی از اعتراضات مردم و منطبق شدن با فضای سیاسی روز بدست نمی آید. اینکه همه نیروها به نوعی خود را به جنبش کارگری مربوط میکنند، میگویند کارگران هفت تپه آلترناتیو ما هستند، یا از سلطنت طلبی دست میکشند و اعلام میکنند بعد از جمهوری اسلامی تا بیست سال مردم سوسیالیستها را انتخاب خواهند کرد، اینها تلاشی است حداکثر برای ادامه حیات سیاسی در جامعه ای که به چیزی کمتر از نابودی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهد. اما مردم رهبران خود را از میان دنباله روان خود انتخاب نمیکند. همین انصراف از سلطنت و کارگر و سوسیالیسم پناهی نیروهای راست توجه ها را به سوی نیروئی جلب میکند که کارگر و سوسیالیسم جزئی از هویت و فلسفه وجودی او است. حزبی که رادیکالیسم و انقلابیگری اش عکس العمل به شرایط موجود نیست بلکه مانند حزب ما خود در ایجاد این شرایط نقش داشته است.

زمانی که اکثریت نیروهای اپوزیسیون به نوعی به جنبش سبز و بنفش و غیره دخیل بسته بودند و رژیم چنچ و تغییرات از بالا را دنبال میکردند، و یا به اسم چپ با معیارهای ایدئولوژیک و غیر سیاسی با اعتراضات و خیزشهای توده ای "مرزبندی" میکردند، ما مبارزه پیگیر و گسترده ای را علیه دوخرداد و استحاله چی های حکومتی به پیش میبردیم، از ضرورت و مطلوبیت انقلاب دفاع میکردیم، بر جوهر سرنگونی طلبانه اعتراضات توده ای نظیر خیزش ۱۸ تیر ۷۸ و خیزش ۸۸ تاکید میکردیم و اعلام میکردیم کل حکومت می تواند و باید به قدرت انقلاب مردم سرنگون بشود. امروز می بینیم خوشبختانه کل جامعه

در این جهت حرکت میکنند. بازنشستگان، معلمان، و کارگران با اعتصابات سراسری خود به میدان آمده اند و صریح تر و آشکار تر از هر زمان کل حکومت را به چالش میکشند.

این شرایط زمینه را برای عروج یک نیروی انقلابی، نیروئی که مثل حزب ما از ابتدا بر این خط کوبیده و استراتژی اش این بوده است، فراهم میکند. مارکس میگوید در شرایط انقلابی همه احزاب به چپ خودشان متمایل میشوند و در شرایط رکود بر عکس همه به راست میچرخند. ما در ایران شاهد روند اول هستیم. و می بینیم که نیروها جنبشها و احزاب به ناگزیر به چپ متمایل شده اند چون جامعه این را می طلبد.

در این متمایل شدن نیروها به چپ نیروئی شرایط و امکان عروج به رهبری را دارد که از ابتدا در منتهی الیه چپ جامعه ایستاده بوده است. منتهی الیه چپ نه تنها از لحاظ تئوری و خط و برنامه بلکه بویژه از نظر عملکرد و دخالتگری فعال در پیشاپیش صف همه جنبشها و حرکتهای اعتراضی علیه هر نوع تبعیض و بیحقوقی در جامعه. و در نتیجه خود عملا نقش فعال و مهمی در رادیکالیزه شدن حرکتهای میدانی، تعمیق سرنگونی طلبی و "ته" مردم به حکومت ایفا کرده است. هر کس اندک آشنائی با شرایط سیاسی و کمترین شناختی از نیروهای اپوزیسیون داشته باشد میداند که حزب ما چنین حزبی است.

خلیل کیوان: چه تصویری از تقابل های رژیم و جنبش سرنگونی و انقلابی پس از انتخابات میتوان بدست داد؟ حزب کمونیست کارگری ایران چگونه خود را برای اوضاع پس از انتخابات و رویه های

که در پیش است خود را آماده میکند؟
حمید تقوائی: به نظر من بعد از انتخابات شرایط تازه ای ایجاد میشود به این دلیل که حکومت یک سمبل و نماد سرکوبگری و جنایت خودش را رئیس جمهور کرده است. و

این، هم از نظر حکومت و هم مردم بیانگر جنگ آخر است. از یکسو حکومت به جامعه اعلام میکند با شمشیر عریان در مقابلت ایستاده ام. دیگر بحثی از گشایش سیاسی و گشایش اقتصادی و نظایر آن در کار نیست. یک جلا د آمده است که بزند و بکوبد و مرغوب کند. در واقع حکومت این پیام را به مردم میدهد که بین من و شما جنگ سازش ناپذیری در جریان است و من با کسی که از اعدام هزاران نفر ابائی نداشته است در مقابل شما قرار گرفته ام.

از سوی دیگر در جبهه مقابل هم تعرض مردم شدت خواهد گرفت. مردمی که فی الحال شعار میدهند رای من سرنگونی است نه تنها با این مانورها و ترفند ها مرغوب نخواهند شد بلکه عرصه و جبهه تازه ای در مقابله با جلا د کشتار دهه شصت و بزیر کشیدن حکومتی که چنین کسی را در راس دولت قرار داده است خواهند گشود.

حکومت از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است و با این حال جامعه هر روز معترض تر و رادیکال تر شده است. بعد از انتخابات این روند با شدت و گسترش بیشتری ادامه خواهد یافت. به نظر من بعد از انتخابات ما شاهد حکومتی خواهیم بود که در عین اینکه تلاش میکند از خود تصویر حکومت نوع پینوشه

ای ترسیم کند، عملا بیشتر به شاه سلطان حسین شبیه است. این تناقض باعث میشود مردم دست به تعرض گسترده تری بزنند و جامعه یکپارچه تر و متحد تر علیه حکومت به میدان بیاید.

فضای سیاسی کل جامعه بعد از این انتخابات، چه در میان نیروهای اپوزیسیون و چه مهمتر از آن در صفوف مردم و کارگران و زنان و دادخواهان و بخشهای مختلف جامعه، رادیکال تر و تعرضی تر خواهد شد و از سوی دیگر حکومت بحرانزده تر و مستاصل تر و صفوفش به هم ریخته تر میشود. اساسا به این دلیل که بحرانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که گریبانگیر حکومت است هر روز شدیدتر خواهد شد و انتخابات این بحران همه جانبه و ساختاری را حتی تخفیف هم نخواهد داد.

خلیل کیوان: در مورد اینکه فعالین اجتماعی و سیاسی چه باید بکنند چه رهنمود و فراخوانی دارید؟

حمید تقوائی: فراخوان حزب ما که البته از انتخابات نتیجه نشده اینست که به سیاستها و کارزارها و رهنمود ها و راهکارهای حزب بپیوندید. منظور من از پیوستن لزوما عضویت در حزب نیست بلکه مهمتر از آن دنبال کردن و دست گرفتن رهنمودها و سیاستها و شعارها و عمل کردن

به فراخوانهای حزب است. حزب ما پلاتفرمها و کارزارها و ظرفهای مبارزاتی متعددی برای دخیل شدن و فعال شدن هر کس که در هر سطحی علیه بی حقوقیها و تبعیضات و برای سرنگونی حکومت می خواهد کاری انجام دهد فراهم کرده است. از سازماندهی اعتصابات سراسری کارگران و تقویت و هماهنگی مبارزات بازنشستگان و معلمان و جنبش کارگری تا کارزار بایکوت جمهوری اسلامی و از کارزار آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام تا مبارزه علیه آپارتاید جنسی و برافراشتن پرچم انقلاب زنانه. فراخوان من به خصوص به فعالین و کنشگران در جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان، و فعالین جنبش رهائی زن و جنبش دادخواهی و سایر جنبش هایی که علیه تبعیض و بی حقوقی مبارزه میکنند اینست که در این کارزارهای گسترده فعالانه شرکت کنید تا بتوانیم یک صف متحد و یکپارچه و قدرتمندی در برابر حکومت شکل دهیم. جنبش قدرتمندی که بتواند ضربه نهائی را به جمهوری اسلامی وارد کند و یکبار برای همیشه جامعه را از شر نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر نوع دیکتاتوری رها سازد.

۳ ژوئن ۲۰۲۱

راسی مردم سرنگونی است

کارگران نفت به میدان می آیند متن گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی خط رفاه



خلیل کیوان: در نفت چه میگذرد؟ اعتراضات کارگران نفت بر سر چه مسائلی است؟ جایگاه این اعتراضات در جنبش پر تلاطم کارگری چیست؟ جنبش کارگری به کدام سو میرود؟ من خلیل کیوان هستم. در خط رفاه همراه من هستید. در این برنامه با شهلا دانشفر گفتگو میکنیم.

فضای اعتراضی در میان کارگران نفت گسترش می یابد. کارگران نفت - چه هزاران کارگر غیر رسمی که در چنگال پیمانکاران معیشتشان مدام مورد تعرض قرار دارد - و چه کارگران رسمی که به کل شرایط کار و حقوق خود اعتراض دارند، در ماههای اخیر بارها صدای اعتراضشان را به شرایط برده و کار بلند کرده اند. اکنون کارگران رسمی نفت اولتیماتوم داده اند که اگر خواستههایشان تا اول تیرماه پاسخ نگیرد روز نهم تیرماه دست به تجمعات گسترده سراسری خواهند زد.

شهلا دانشفر! ابتدا به تحركات اعتراضی که در میان بخش های مختلف نفت در جریان است، نگاهی داشته باشیم. برای ما بگویید که اوضاع از چه قرار است؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید تحركات در میان کارگران نفت گسترده است. بطور واقعی کارگران نفت به میدان آمده اند و هر روز دامنه اعتراضات آنها وسعت بیشتری پیدا میکند. ما در مرداد ماه گذشته شاهد اعتصاب سراسری ۲۵ هزار کارگر غیر رسمی نفت بودیم.

هستیم کارگران نفت در شهر راهپیمایی کردند و جلوه با شکوهی از اعتراض را به نمایش گذاشتند. قبل از آنهم در بیستم اردیبهشت کارگران رسمی نفت فراخوان به تجمع سراسری داده بودند و کارگران غیر رسمی هم اعلام حمایت کرده بودند. در همین روز شماری از کارگران و کارکنان رسمی نفت از مراکز مختلف نفتی که بخاطر شیفت کاری شان امکان حضور در تجمع تهران را نداشتند، در محل کار خود در مناطق مختلف نفتی عکس هایی گرفتند و با بنرها و دست نوشته های "در کنارتان هستیم، کوتاه نمی آیم"، به همکاران خود پیام همبستگی دادند و نمادی از یک اعتراض سراسری را به نمایش گذاشتند. در اهواز نیز در آن روز همزمان کارگران رسمی نفت تجمع داشتند. اکنون بدنبال تجمعات بیستم اردیبهشت و پنجم خرداد کارگران رسمی نفت خطاب به وزیر نفت اولتیماتوم داده اند که چنانچه تا تاریخ یکم تیرماه پاسخ نگیرند در روز نهم تیرماه دست به تجمع و اعتراضات گسترده تری خواهند زد و تا تحقق خواستهها و مطالباتشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. ضمن اینکه کارگران رسمی مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC برای پیگیری مطالباتشان به جمع آوری طوماری اعتراضی در سطح پالایشگاه های ۱۳گانه دست زدند و در روز ۱۰ خرداد جلوی ساختمان مرکزی ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی حضور پیدا کرده و این طومار را به مدیریت ارائه دادند. مورد مهم دیگر از این تجمعات، تجمع کارگران عملیاتی سکوهای دریایی شرکت نفت و گاز پارس که در برگیرنده ۳۰ سکوی عملیاتی است در ۲۱ اردیبهشت ماه در محل سکوی عملیات دریایی بود که در اعتراض به نحوه افزایشات عمومی مزدی سال ۱۴۰۰ برپا شد. در همین راستا کارگران رسمی نفت هلدینگ خلیج نیز در روز دهم خرداد ماه روبروی پتروشیمی دست به تجمع زدند و پیگیری

همان مطالباتی شدند که در اولتیماتوم خود برای تجمع روز ۹ تیر و تجمع سراسری پنجم تیر ماه خود اعلام کرده بودند. اعتراضات در میان کارگران غیر رسمی نفت نیز از همان مرداد سال گذشته همواره در این بخش و آن بخش جریان داشته است و اکنون با به میدان آمدن بخش کارگران رسمی ابعاد اعتراضات در نفت سراسری تر شده است. از جمله در همین هفته در دهم خرداد جمعی از کارگران مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در اعتراض به سطح نازل حقوقها و مسکوت ماندن افزایش دستمزدهایشان از سال ۹۱ تا کنون و نیز قراردادهای موقت کارگری به همراه خانواده هایشان دست به تجمع زدند. این کارگران با بنر "زندگی شایسته حق مسلم ماست" صدای اعتراض خود را بلند کردند. حضور خانواده ها در اعتراضات کارگران نفت در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی یک اتفاق مهم است و کام مهمی در گسترش و اجتماعی شدن مبارزات این کارگران است. همچنین در همین روز کارگران خدمات اردوگاهی ملی حفاری با برگزاری تجمعی خواستار پیوستن به سامانه ساپنا و حذف قراردادهای برده وار حجمی شدند. در روز قبل از آن نیز شماری از کارگران اخراج شده شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهر تجمع کردند. اینها همه گوشه هایی از اعتراضات گسترده در میان کارگران نفت است که در بخش های مختلف آن و موسسات وابسته به نفت صورت گرفته است. بنابراین چنین ابعاد وسیعی از اعتراض در میان کارگران رسمی و غیر رسمی نفت بویژه با وارد شدن خانواده ها در اعتراضات در جایی مثل منطقه ویژه اقتصادی بعد گسترده اعتراضات کارگران نفت را نشان میدهد. دامنه این اعتراضات طبعاً از طریق شرکت خانواده ها میتواند به شهرها و به سطح جامعه وصل شود. به همین اعتبار اعتراضات

کارگران نفت توجه بسیاری را بخود جلب کرده است. سطح نازل دستمزدها و پایین آمدن هر روزه قدرت خرید کارگران، عدم ایمنی محیطهای کار، قوانین برده وار موقت کاری، اخراجها و بیکارسازی ها و نحوه افزایش دستمزدها در سال ۱۴۰۰ که در واقعی تعرضی به سطح معیشت کارگران نفت است، و پیگیری دیگر مطالبات محور مهم اعتراضات کارگران نفت بوده است. بدینگونه است که کارگران رسمی نفت و غیر رسمی هر روز قدرتمند تر دارند به میدان می آیند و این یک اتفاق سیاسی مهم در جنبش کارگری و در سطح جامعه است.

خلیل کیوان: شما ابعاد اعتراضات را گفتید و اشاره مختصری هم به مطالبات کارگران نفت داشتید. اگر ممکن است در مورد اینکه اعتراض کارگران نفت به چیست و در مورد مطالباتشان مبسوط تر توضیح دهید؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم مساله اصلی این اعتراضات سطح دستمزدها و دریافتیها با توجه به تورم مداوم است. اعتراضات کارگران رسمی نفت به نحوه افزایش حقوقهای سال ۱۴۰۰ و عدم تناسب آن با افزایش سرسام آور نرخ تورم و در نتیجه پایین آمدن سطح زندگی شان است. و این مساله کل جامعه است. بعلاوه تحمیل مالیات های سنگین، پایین آمدن هر روز بیشتر استانداردهای کاری و زیستی و برای مثال وضع درمان و بهداشت، سختی شرایط کار و عدم ایمنی محیط کار، از جمله خطرات جانی در سکوها و مشکلات جسمی دراز مدت برای آنان در اثر نشت گازهای سمی و انفجارهای مهیب و صدای گوش خراش آن و قراردادن شبانه روزی در مدار تولید و عدم امکان استراحت در فاصله های شیفت کاری بویژه کار در دمای بسیار بالای

ادامه از صفحه ۵



هوا در مناطق نفتی جنوب، محروم بودن از فضای شهری و امکانات رفاهی خصوصا در سکوهای نفتی دریایی و تأثیرات مستقیم اینها و فشارهای روحی و جسمی غیر قابل تحمل بر زندگی و معیشت خود و خانواده هایشان، رتوس اعتراضات کارگران رسمی نفت است که در بیانیه های اعتراضی خود بر آن ها تاکید کرده اند. به گفته این کارگران به استناد ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت کلیه کارکنان عملیاتی از مجموعه قوانین خاص خود برخوردار بوده و تابع مجموعه قوانین خدمات کشوری نیستند.

به این معنا که بر اساس این ماده مجموعه قوانین نفت هیچ محدودیتی اعم از کف یا سقف، برای کارکنان عملیاتی لازم الاجرا نیست. از همین روز این کارگران خواستار اجرای ماده ۱۰ و اصلاح احکام کارگزینی که بشدت به ضرر تمامی کارگران و بویژه کارگران عملیاتی است، هستند و در اولتیماتوم خود اعلام کرده اند که چنانچه نحوه افزایشات عمومی حقوق، تعریف حکم کارگزینی، محدودیت ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و محدودیت سقف و سایر ایرادات تفسیر و اجرای قانون برطرف نگردد، در نهم تیر دست به اعتراض سراسری دیگری خواهند زد.

اعتراضات کارگران رسمی و غیر رسمی نفت در برخی جنبه های اساسی مشترک هستند. از جمله اعتراض به قوانین برده وار ویژه اقتصادی است که معضلات آن همه کارگران نفتی شاغل در این مناطق را در بر میگیرد و کارگران غیر رسمی نفت بر لغو آنها تاکید کرده اند. بعلاوه کوتاه شدن دست پیمانکاران که وجود آنها فشارش بر همه کارگران نفت وارد میشود و این نیز یکی دیگر از مطالبات اعلام شدن کارگران غیر رسمی نفت است. این کارگران خواستار داشتن امنیت شغلی و دائمی شدن قرارداد هایشان هستند. خواست مشترک دیگر مطالبه افزایش حقوقهاست که تاکید کارگران غیر رسمی این بوده است که حقوق هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد.

بعلاوه این بخش از کارگران خواستار در اختیار همه قرارگرفتن امکانات درمان رایگان و بالا رفتن استاندارد آن شده اند. تاکیدات دیگر کارگران غیر رسمی نفت پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار، داشتن حق تشکل، حق تجمع و حق اعتراض است که همه اینها امر تمامی کارگران نفت است. کارگران غیر رسمی این مطالبات را در قطعنامه اول ماه مه خود برجسته و شفاف اعلام کردند. ضمن اینکه در پیامهای همبستگی شان با مبارزات کارگران رسمی بر این مطالبات تاکید کردند.

خلیل کیوان: به مواردی از تلاشها و مبارزات کارگران نفت اشاره کردید. اعتراضات کارگران نفت چه بازتاب و انعکاسی در جامعه و مطبوعات داشته است؟

شهلا دانشفروز: در آغاز سر بلند کردن اعتراضات کارگران نفت در مرداد ۹۹ که با اعتصابات گسترده کارگران غیر رسمی شروع شد، چون یک شروع بود انعکاس اعتراضات آنان به نسبت محدود بود. و در واقع فضای امنیتی و پادگانی نفت مانع شده بود که این کارگران گروههای مبارزاتی و اطلاع رسانی خود را در مدیای اجتماعی داشته باشند و این کمبود تأثیر خود را بر انعکاس وسیع اجتماعی اخبار اعتراضات آنان میگذاشت. گروههایی هم سعی میکردند از این کمبود دسترسی کارگران

نفت چه وزن و جایگاه مهمی دارد. اما هنوز اطلاع رسانی از مبارزات این کارگران کافی نیست. به نظر من کارگران نفت با قدرتی که دارند باید بتوانند مثل معلمان، مثل بازنشستگان، مثل کارگران نیشکر هفت تپه و مثل بخش های دیگر کارگری گروههای مبارزاتی خود را شکل دهند و نه تنها خود بلکه خانواده هایشان عضو این گروههای هزاران نفره باشند و در این بستر یاریگری وسیع بکنند و صف اعتراضشان را سراسری سازمان دهند. همچنین اطلاع رسانی وسیع بکنند و حمایت جامعه را جلب کنند. و اینها همه اقداماتی مهمی هم برای رشد مبارزات کارگران نفت و هم برای قدرتیابی بیشتر جنبش کارگری در سطح جامعه هستند.

خلیل کیوان: برگردیم به مساله اولتیماتوم. کارگران رسمی نفت اعلام کرده اند که اگر پاسخ خواستهایشان را نگیرند در تاریخ ۹ تیر تجمع سراسری خواهند داشت. اهمیت این اولتیماتوم چیست؟

شهلا دانشفروز: دادن اولتیماتوم از طرف یک بخش کلیدی کارگری یک اتفاق سیاسی مهم است. وقتی پیشینه اعتراضات یکساله اخیر کارگران نفت را از مرداد گذشته تا کنون در نظر بگیرید، مشاهده میکنید که محیط های کاری در نفت از اعتراض دارد می جوشد و آنوقت جایگاه این

نفت به مدیای خود، برای سوار کردن روایت های دلخواه خود بر این اعتراضات سود جویند و حتی وقتی دامنه اعتراضات گسترده شد دستپاچه سوت پایان آنرا زدند. ولی حرکتی با چنان ابعاد گسترده در واقع شکاف بزرگی بر آن فضای پادگانی زد و کارگران با ادامه اعتراضاتشان و با جلو آوردن خواستههای اساسی خود چون افزایش حقوقها به بالای دوازده میلیون و کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین ویژه اقتصادی و غیره اینگونه تشبثات را که سعی میکردند اعتراض کارگران را در چهارچوبه های نامه نگاری به خامنه ای و مجلس و غیره محدود نگاهدارند، خنثی کردند. بدینگونه بود که توجه ها بسوی کارگران نفت و مبارزاتشان جلب شد. و امروز ما شاهد این هستیم که اخبار اعتراضات نفت وسیعا انعکاس پیدا کرده است. حتی بازتاب آنرا در رسانه های دولتی می بینیم. و خود کارگران غیر رسمی نفت که بخش بزرگی از کارگران شاغل در صنعت نفت هستند، سهم بسزایی در رسانه ای کردن صدای اعتراضاتشان داشتند و اینکار را از طریق انتشار اخبار اعتراضات خود و بیانیه های اعتراضی و حمایتی متعددهشان انجام دادند.

مبارزات کارگران نفت هم اکنون مورد توجه بسیار بخش های مختلف کارگری است. دلیلش نیز اینست که کارگران واقفند که مبارزات

اولتیماتوم روشنتر میشود و شکی نیست که این اعتراضات هزینه سنگینی برای حکومت دارد. این اولتیماتوم در واقع اعلام عزم کارگران نفت برای پیگیری مطالباتشان است. بویژه خواستههای این کارگران فراتر از کارگران نفت است. از جمله مطالبه لغو قوانین ویژه اقتصادی فراتر از نفت است و همانطور که قبلا نیز اشاره کردیم ۶۵ منطقه اقتصادی را در بر میگیرد. همچنین اعتراض این کارگران به سطح نازل دستمزدها و تعرض هر روزه به زندگی و معیشت کارگران و جلو آمدن خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون یک خواست اجتماعی وسیع است. و با خواست قطع دست پیمانکاران از محیط های کار که وجود آنها معضل بیش از ۹۷ درصد کارگران است نیز یک خواست سراسری است. بعلاوه پایان دادن به دزدی ها و اختلاسها امر همه بخش های کارگری و کل جامعه است و یک جنگ کارگران در نیشکر هفت تپه، فولاد، هیپکو و یا در معادن و مبارزات بازنشستگان و معلمان بر سر همین موضوع است. در همین راستا ایمنی محیط کار خواست همه کارگران است و محیط های کارگری بدلیل فقدان آن دارد هر روزه قربانی میگیرد. بنابراین بسیار مهم است که وقتی یک بخش کلیدی کارگری که بطور واقعی صف کارگران رسمی و غیر رسمی را

ادامه از صفحه ۶



ها را نیز شاهد هستیم. نه فقط در نفت بلکه در هفته قبلش در مبارزه کارگران معدن آسمینون منوجان شاهد راهپیمایی و تجمع خانواده ها همراه با کارگران بودیم. همه این اتفاقات طلایه های دوره جدیدی در جنبش کارگری است. از جمله می بینیم که کارگر نیشکر هفت تپه خلع ید میکند از مالکیت سرمایه دار دزد هفت تپه و این تابوی سرمایه داری را در هم میشکنند و میگویند این پیروزی اولین قدم من برای این است که بتوانم خواستههایم را بگیریم و علیه دزدی و چپاول قد علم میکند. از سوی دیگر کارگران منوجان همراه با خانواده کارگران فولاد اهواز در اقدامی متحدانه بساط شورای اسلامی را جمع میکنند و کارگران نفت هم برای پیگیری خواستههایشان اولتیماتوم میدهند. بنابراین ببینید که در جنبش کارگری چه خبر است. این اتفاقات را در متن جامعه ای بگذارید که پر از تلاطم است و دارد میگوید که رای ما سرنگونی است و مادران آبانماه پیشقراول این حرکت اعتراضی هستند. آنوقت میتوان دید که با به میدان آمدن کارگران نفت و حرکت قدرتمند جنبش کارگری به جلوجامعه به کدام سو میروند. این جامعه ایست که با شتاب بسوی رهایی از شر جهنم جمهوری اسلامی و برای داشتن زندگی ای شایسته انسان گام بر میدارد و در این اوضاع و احوال به میدان آمدن کارگران نفت یک نقطه عطف مهمی در سوق دادن جامعه به آن سمت و سوست.

خلیل کیوان: صنعت نفت و مبارزات کارگران تاریخا اهمیت بسیاری داشته است. اکنون با گسترش اعتراضات در میان کارگران سرها بسوی کارگران نفت چرخیده است. توجهات بسوی آنها جلب شده است. بطور کلی جایگاه این اعتراضات در جنبش پر تلاطم کارگری چیست؟

شهلا دانشفر: به نظر من اعتراضات گسترده نفت بستری برای رفتن کل جامعه بسوی اعتصابات سراسری است و این یک گام به جلو و مهم در جنبش کارگری است. ما این را بعد از اعتراضات گسترده ۲۵ هزار کارگر غیر رسمی نفت گفتیم و تاکید کردیم که این اعتراضات ادامه دارد. در آن مقطع جریاناتی بودند که همانطور که اشاره کردم آمدند و برای اینکه مبادا کنترل اوضاع از دستشان خارج شود سوت پایان اعتصاب را زدند. اما دیگر این گونه تقلا کردنها دوره اش تمام شده است. کارگران نفت دارند به جایگاه قبلی خود بر میگردند. حکومت سعی کرد با شقه شقه کردن بخش های مختلف نفت و سپردن هر بخش به پیمانکاری و امنیتی کردن مراکز نفتی جلوی تکرار تجربه سال ۵۷ را بگیرد. سعی کرد با این کار صف اعتراضات سراسری کارگران نفت را در هم بشکند و مانع سازمانیابی متحدانه اعتراضات آنان شود. اما کارگران از همه اینها عبور کردند و امروز می بینید که کارگران نفت در چنین ابعادی وارد میدان شده اند و اعتراضات آنها هر روز گسترده تر میشود. جالب اینجاست که طلایه های جلو آمدن خانواده

خلیل کیوان: مساله رابطه جنبش کارگری با جامعه و بخش های مختلف طبقه کارگر اهمیت کلیدی ای دارد و باید بیشتر به آن پرداخت. بخاطر اینکه کارگران نفت وزن سنگینی در جنبش کارگری دارند. اعتراضات در این بخش کلیدی بطور قطع تاثیراتش را بر جنبش کارگری و تحولات جامعه میگذارد. تاثیرات آن بطور مشخص بر جنبش کارگری چیست و بر فضای عمومی جامعه چه تاثیراتی مگذارد؟

آنوقت تاثیر اعتراضی در چنین ابعاد وسیع آنهم در چنین بخش کلیدی ای مثل نفت در جنبش کارگری را به مراتب بهتر میشود لمس کرد. دیدن این واقعیت به کارگران قدرت میدهد که با توان و اعتماد به نفس بیشتری به جلو گام بردارند. به این ترتیب تاثیرات این اتفاقات نه فقط در جنبش کارگری بلکه همانطور که اشاره کردید در فضای سیاسی کل جامعه قابل رویت است. بویژه اینکه جمهوری اسلامی آنچنان بلایی سر این جامعه آورده و زندگی و معیشت همه مردم را تحت فشار قرار داده و پایه ای ترین حقوق انسانی را زیر پا لگذمال کرده است که امروز همه مردم علیه این حکومت هستند. امروز کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، دانشجو و مادر جانباخته، تا فعال دفاع از حقوق زن، فعال دفاع از محیط زیست، و ال جی بی تی ها همه وهمه ۹۹ درصدی های جامعه هستند که میخواهند سر به تن این حکومت نباشد. نماد آنرا در روز جهانی کارگر دیدیم. دیدیم که مادر دادخواه در اول ماه مه آمد و علیه سرمایه داری کیفرخواستش را اعلام کرد. دیدیم که فعالین مختلف اجتماعی جلو آمدند و روز جهانی کارگر را گرمی داشتند. دیدیم که در چنان ابعاد گسترده و سراسری ای

این روز همبستگی جهانی کارگری برگزار شد و دیدیم که چگونه بخش های مختلف

شهلا دانشفر: در سوال قبل بخشا به این نکته پرداختم. در جنبش کارگری مضمون مشترک این اعتراضات چتر سراسری ای به مبارزه بخش های مختلف کارگری میدهد. بطور مثال جنبش برای خواست افزایش دستمزدها یک نیروی مهمش کارگران غیر رسمی نفت هستند و الان یک مساله اعتراضات کارگران رسمی نفت نیز مساله مزد است. و جنبش علیه زندگی زیر خط فقر و برای افزایش دستمزدها جنبش ۹۹ درصدی های جامعه است. موضوع این اعتراض فقط این نیست که فقر نباشد و قدرت خرید کم شده است و غیره بلکه در این اعتراض کارگر میگوید حقوقهای نجومی باید برچیده شود. به دزدی ها و چپاولگری ها اعتراض دارد و میگوید تبعیض طبقاتی را نمیخواهم و از یک زندگی انسانی سخن میگوید. اول ماه مه امسال در واقع بیان این اتفاق شورانگیز و این واقعیت بود. در واقع کارگر در اول ماه مه افق سوسیالیستی را در مقابل جامعه قرار داد. در قطعنامه های اول ماه مه از جمله در بیانیه کارگران غیر رسمی نفت کارگر دارد کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری حاکم اعلام میکند. میگوید دولت مافوق مردم نیمخواهم و میگوید زنده باد اداره شورایی. بنابراین اگر همه این اتفاقات را کنار هم بگذاریم

خلیل کیوان: متشکرم که در این بحث شرکت کردید.

وحشت حکومت از کف خیابان!

این مطلب بر اساس گفتگوی نگار نادری با محسن ابراهیمی در برنامه "نگاه روز" تلویزیون کانال جدید نوشته شده است.



جهان است!

تهدید احمدی نژاد و ظریف توسط یک سردار سپاه لات اگر چه نشانه دیگری از تنگتر شدن بیشتر حلقه حاکمیت است، اما روشن است که مخاطب اصلی مردم هستند. او دارد از طریق هم جرم‌هایش در حکومت مردم را تهدید میکند. مردمی که مدتهاست برای مقابله با حکومت اسلامی کف خیابان را انتخاب کرده‌اند. مردمی که در چهار سال گذشته دو بار به کف خیابان آمدند و شعار دادند حکومت اسلامی نابود باید گردد. مخاطب او همان 30 میلیونی است که روحانی گفت بهتر است 3 میلیون از کرونا خیابان بیایند!

البته او خطاب به مردم هم می‌گوید: "بخواهید بیاید کف خیابان، خاله‌جان خودم می‌آم کف خیابون من را که می‌شناسید به هیچ کدامان رحم نمی‌کنم..." اظهاراتی از این قبیل در کنار تقلای حکومت برای انتصاب آیت الله قاتل به ریاست جمهوری اسلامی، یعنی اینکه حکومت اسلامی در انتظار آبان 98 در مقیاسی تکان دهنده تر نشسته است. این اعترافی دیگر از طرف سرکوبگران حکومتی به نزدیک شدن نبرد نهایی مردم با حکومت است.

نگار نادری: این درجه از کشمکش میان حکومتیها، در مورد جنبش سرنگونی و موقعیت حکومت چه می‌گوید؟

محسن ابراهیمی: در چند جمله و بسیار صریح این را می‌گوید که جنبش سرنگونی آنقدر گسترده و قدرتمند

اخیرا ویدیو کلیبی از پاسدار بازنشسته سعید قاسمی پخش شده است که در آن تهدید کرده است که اگر کسی بیاید کف خیابان با او طرف است و به کسی رحم نمی‌کند. مخاطب اصلی این پاسدار بازنشسته کیست؟ مردم؟ یا بخشهایی از خود حکومتیها که ژست مخالف به خود گرفته‌اند؟

نگار نادری: سعید قاسمی در این ویدیو کلیپ از ظریف و محمود احمدی نژاد هم اسم برده که اگر بیایند کف خیابان با او طرفند. مگر آنها قرار است کف خیابان بیایند؟ اگر نه، این تهدید برای چیست؟

محسن ابراهیمی: سعید قاسمی یکی از خشن‌ترین لمپنهای جمهوری اسلامی است که در 42 سال گذشته در تمام سوراخ سنبه‌های حکومت اسلامی که مربوط به خشونت و سرکوب بوده ولو بوده است و نقش داشته است. کلیپ سخنانش را نگاه کنید. یک لات چاقوکش حرفه‌ای حکومتی فقط میتواند اینطور تهدید کند.

مخاطب واقعی او معلوم است که احمدی نژاد و ظریف نیستند. احمدی نژاد که معرف حضور همه هست و خودش در سال 88 مردمی را که به کف خیابان آمده بودند تا با حکومت اسلامی مقابله بکنند خس و خاشاک خواند و یکی از خشن‌ترین سرکوبیهای حکومت اسلامی را سازمان داد. ظریف هم که نقشش در طول هشت سال دوره دولتشان این بوده است که در خارج از کشور سرکوب در داخل را توجیه کند و بگوید که جمهوری اسلامی یکی از دمکراترین حکومتیهای

شکاف‌های درونی خواهد شد، اینجا موضوع بر سر خون یغما، ثروت عظیم چپاول شده است که باندهای مختلف حاکمیت همیشه به خاطر سهم بیشتر از آن در کشمکش خواهند بود.

نگار نادری: سعید قاسمی همچنین گفته است که "شرایط فرق کرده است. در اوج قدرت حزب الله در ایران و خارج هستیم!" آیا واقعا اینطور است؟

محسن ابراهیمی: در ایران که دیگر همه میدانند چه خبر است و حزب الله چه وضعی دارد. حزب الله سهل است بلکه خود حکومت اسلامی که حکومت حزب خداست مورد که قرار است حزب الله را بر جان و زندگی مردم حاکم کند خود مورد مصاف است. وضع طوری است که مردم نه تنها "انتخابات" این حکومت را قبول ندارند بلکه علنا فریاد می‌زنند "رای ما فقط سرنگونی جمهوری اسلامی است".

ایران جمهوری اسلامی مدتهاست که در جهان به مرکز اصلی برگشتن از دین و مشخصا دین اسلام تبدیل شده است. خود آیت الله‌ها که زمانی در رویای بیمارگونه تبدیل ایران به مرکز خلافت اسلامی جهان بودند، این موج بازگشت از اسلام را به سونامی - نه حتی سیل بلکه سونامی - ضد مذهبی و ضد اسلامی تشبیه کردند. انقلاب آتی ایران از این نظر تماما شبیه انقلاب کبیر فرانسه خواهد بود. یک وجه مهم انقلاب ایران جارو کردن مذهب و اسلام از عرصه عمومی، از نهادهای مربوط به قانون گذاری و قضاوت و آموزش خواهد بود.

در منطقه هم که وضع حزب الله روشن است. عراق را نگاه کنید که حیات خلوت حکومت اسلامی شده بود و فقط در همین هفته‌های اخیر جوانها و مردم بارها به خیابانها ریختند و نه فقط علیه حکام عراق بلکه علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و کنسولگری حکومت

شده است و آنقدر در جامعه ریشه دوانده است که بالاترین مقامات حکومت هم احساس خطر کرده‌اند و ریزش درون حکومتی حتی در رده‌های بالا هم شروع شده است. اوضاع طوری است که نه فقط اصلاح طلبان که همیشه برای عمر خریدن به حکومت ژست منتقد می‌گرفتند بلکه حتی کسی مثل احمدی نژاد که برای مدت طولانی مورد تمجید ولی فقیه بوده و نظرشان به قول خامنه‌ای به همدیگر خیلی نزدیک بود و همدیگر را تمجید میکردند قیافه معترض به خود گرفته است. نه فقط احمدی نژاد بلکه حتی رئیسی که که خامنه‌ای و شورای نگهبانش میخواهند رئیس‌جمهورش کنند ژست مبارزه با فساد می‌گیرد. اوضاع طوری شده است که حاکمان قدیم و جدید حکومت که قتل و کشتار و جنایت و فساد را باهم سازمان داده‌اند از موجودی که خودشان ساخته‌اند و خودشان در راسش بوده‌اند و هستند انتقاد میکنند. این یک حقیقت است حکومت اسلامی به سرایشی تندی افتاده است.

از طرف دیگر، بخشی از حکومت که حول بیت خامنه‌ای متمرکز هستند دقیقا از ترس پیشروی جنبش سرنگونی تصمیم گرفته‌اند خودشان را یکپارچه کنند. دیگر نیازی به حائل و ضربه‌گیر اصلاح طلبان ندارند. به این دلیل ساده که اصلاح طلبان در میان مردم آنقدر بی پایه و بی آبرو شده‌اند که نقش حائل را نمیتوانند ایفا کنند. کارت سوخته هستند. در یک جمله به خاطر این شرایط و مشخصا از ترس پیشروی جنبش سرنگونی حاکمیت قصد دارد خود را یکپارچه کند و آماده جنگ نهایی با مردم شود.

عربده‌های این لمپن اسلامی هم جلوه‌ای از این تحولات است. بگذریم از اینکه به نظرم یکپارچه و یکدست شدن و یکپارچه و یکدست ماندن مقامات حاکم در جمهوری اسلامی غیر ممکن است. جدا از ترس از حضور و اعتراض مردم که خود باز هم مبنای

اسلامی در کربلا را به آتش کشیدند. در لبنان هم همین وضعیت علیه حزب الله لبنان بارها رخ داده است. در اروپا اسدالله اسدی، "دیپلمات-تروریست" حکومت اسلامی به جرم سازماندهی بمب گذاری در جلسه اپوزیسیون به بیست سال زندان محکوم شد. حمید نوری به اتهام شرکت در کشتار 67 منتظر محاکمه است. دادگاهی در استان آنتاریو در کانادا حکم داده است که موشک زدن و کشتار مسافران هواپیمای اوکراینی عمدی و تروریستی بوده است. اینها فقط گوشه‌هایی از وضع حزب الله و تروریسم اسلامی در جهان است.

نگار نادری: هر روز تعداد بیشتری اعلام میکنند "رای ما سرنگونی است". پیشروی و پیروزی نهایی این جنبش در گرو چیست؟

محسن ابراهیمی: منظورمان از پیشروی این جنبش چیست؟

به نظر می‌آید که در حال حاضر در ایران به طور جدی جنبش سرنگونی دارد پیشروی میکند. اینکه تعداد هر چه بیشتری به این نتیجه برسند که هیچ راه گشایشی در هیچ جنبه‌ای از زندگی‌شان در چهارچوب حکومت اسلامی ممکن نیست و باید این حکومت با همه جناحها و باندهای اصلاح طلب و اصولگرایش سرنگون شود یک وجه مهم از پیشروی جنبش سرنگونی است. گفتار و رفتار سیاسی مردم نشان میدهد که این وضعیت مخصوصا به بهانه و در شرایط نمایش انتخاباتی بسرعت دارد گسترش پیدا میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر فقط یک آرزو نیست. مردم علنا می‌گویند رایشان سرنگونی است! مشروعیت انتخابات حکومتی و حکومت اسلامی را یکجا زیر سؤال می‌برند. این یکی از جلوه‌های مهم پیشروی جنبش سرنگونی است.

جنگ گرگها و انقلاب حمید صداقت

منظور از پیروزی جنبش سرنگونی چیست؟

به زیر کشیدن همه مقامات حکومت، دستگیری و محاکمه آنها، منحل کردن همه نهادهای سیاسی، قانونگذاری و قضایی و ایدئولوژیک و امنیتی و سرکوب، لغو بلافاصله همه قوانین شرع، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و متکی کردن اداره جامعه به شوراهای مردمی و دهها مورد دیگر که در بیانیه "وقتی قدرت دست ما باشد" حزب کمونیست کارگری اعلام شده است اولین و مهمترین گام سرنگونی و پایان دادن به نظام اسلامی است که باید با زیر و رو کردن کامل نظام سرمایه داری به فرجام برسد.

روشن است که بعد از سرنگونی حکومت، قدمهای بعدی را باید برداشت و جامعه را از وضعیتی که در آن برای همیشه اقلیتی میلیاردر، بر اکثریت عظیم کارگران و توده های محروم حکومت میکنند رها کرد. وضعیتی که به خاطر تداوم تبعیض طبقاتی انواع تبعیض های دیگر را بازتولید میکند و برای حفظ همه این تبعیضات به سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام و ارباب نیاز دارد. یعنی نظام سراپا تبعیض طبقاتی سرمایه داری را زیر و رو کرد.

اگر منظورمان از پیروزی این است، پیروزی به این معنا منوط به دست بالا پیدا کردن گرایش در جنبش سرنگونی و نیروهایی است که در انقلاب آتی این هدف را دنبال میکنند. نمیخواهند صرفا مقامات حاکم کنار بروند و با تغییر مهره ها و تغییرات نیم بند باز هم اکثریت مردم در نقش کارگر ثروت تولید کنند و خود و اکثریت جامعه از آن محروم بمانند.

حزب کمونیست کارگری به عنوان شاخص ترین و فعالترین بخش این گرایش، تمام تلاشش این است که این گرایش در جنبش سرنگونی متشکل تر شود و در سرنگونی جمهوری اسلامی و سیر رویدادها نقش اصلی را ایفا کند.

تحولات اخیر در ساختار حکومت در زمانی به اوج خود رسیده است که رژیم در انتهای مسیری است که ناگزیر از پایان دادن به دوگانگی صداها و سیاست ها رو به غرب یا رو به شرق در ادامه مسیر ساختاری است که عملا به بن بست رسیده است. فشار نارضایتی عمومی و جنبش سرنگونی طلبی از پایین، فشار بحران اقتصادی و تشدید فلاکت عمومی مردم و درآمدهای نجومی افزوده ها، همزمان با تشدید بحران اتمی، دخالت در منطقه و هزینه سنگین دخالت ها، لو رفتن مصاحبه ظریف و تشدید اختلافات داخل حکومت و فشار دولت های غربی به رژیم از طرف دیگر در پرونده تحریم ها، پول شویی و مسائل اتمی در کنار بحران کرونا و خشکسالی بی سابقه از جمله مسائلی است که رژیم را در تنگنای تغییر اساسی سیاست های خود قرار داده است.

چیز و خواسته ای که مردم از ۹۶ به اینسو مطرح کرده اند در آبان ۹۸ آن را به گسترده ترین شکل دنبال کردند و امروز می روند که جنگ آخشان را با حکومت به انجام برسانند. بواقع پرونده اصلاح طلبی حکومتی را نه جناح راست حکومت بلکه بیداری اجتماعی مردم و عبور جامعه از اصلاح طلبی کذایی و هر تلاشی برای نگهداری جمهوری اسلامی به پایان برد. وگرنه اگر اصلاح طلبان قادر می بودند کماکان با برگ مردم بازی کنند و مردم را مجل خود نگهدارند، هنوز هم مشغول انجام وظیفه بودند. این دوران انجام وظیفه با پیشرفت جامعه، رشد رادیکالیسم، تعمیق اعتراضات مردمی و تقویت جنبش نه به جمهوری اسلامی به پایان رسیده است زیرا تحمل اینها برای جناح تندرو حاکم جز اتلاف وقت، و دادن پیام غلط به نیروهای خط مقدم سرکوب و ایجاد تزلزل در صفوف آنها حاصلی ندارد.

حاکمیت ناگزیر از یکدست کردن سیاست های خود در مقابله با مردم است. سرنوشت این تلاشها و اقدامات کودتایی سرکوبگرانه سرانجام در مواجهه ی حکومت با مردم و در جدال مردم با حکومت تعیین می شود. نبردهای اصلی در راه است. یا ما یا آنها! این رژیم امروز توانایی رویارویی با مردم را ندارد. بحرانهای رژیم عمیق تر از آن است که قادر به پاسخگویی به آنها باشد. ضمن این که مردم در همه جا در خیابان اند. در کارخانه و کارگاه در مدرسه و دانشگاه در اداره و محلات، تا شهرها و روستاها همه جا مردم با شعارهای ضد حکومتی به اعتراض برخاسته اند. رژیمی که هیچگونه پایگاه مردمی ندارد، از درون دچار از هم گسیختگی است و از بیرون

زیر فشار جنبش دادخواهی و جنبش حق طلبانه و آزادی خواهانه مردمی، و فشار اعتراضات و اعتصابات کارگری است نشان میدهد که سرکوب و تهدید اعدام زندانی پاسخ مردم گرسنه و بیکار نیست. ظاهرا با اقدامات غیر قابل توجه شورای نگهبان و اعلام حمایت خامنه ای از این عمل شورای نگهبان روشن کرد که رژیم در فاز آخر تصفیه داخلی، و یکدست کردن صفوف برای مواجهه با مردم است. رژیم در شرایطی هر نوع ادعای تکیه به مردم، انتخابی بودن، مستضعفین و غیره را کنار گذاشته که از چندی پیش حتی در تعبیر خود نیز از مفاهیم قانون اساسی و جمهوریت و کلمه مستضعف و... دست برد.

ظاهرا ایجاد خلافت اسلامی بدون چون چرا آلترناتیو حکومت برای مواجهه با مردم و ادامه بقای حکومت است. اما اینکه قادر به این

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت روزنه

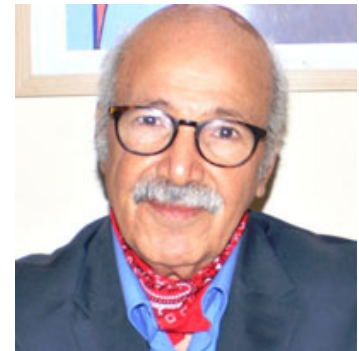
www.rowzane.com

اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکاست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکاست: کاظم نیکخواه
لینک: andishevasiasat.podbean.com

در مورد دموکراسی و حقوق بشر



گفتمان دموکراسی در سالهای اخیر در دنیا بسیار رایج شده است. دموکراسی مترادف آزادی قلمداد میشود. هرکس که ادعای آزادیخواهی دارد خود را ناچار می بیند به دموکراسی سوگند بخورد و خود را طرفدار دموکراسی اعلام کند. جریان‌های سیاسی چه چپ و چه راست اکثراً خود را دموکرات معرفی میکنند. همه دولت‌ها در غرب و شرق از روسیه تا آمریکا و انگلیس و جمهوری اسلامی و شاه عربستان و اردن و بحرین غیره همه میگویند ما دموکراتیم.

همین وضعیت این سوال را باید برای هر کسی مطرح کند که این دموکراسی چیست که همه کس در این دوره باید به آن سوگند بخورد؟ چه خصوصیتی دارد چه معجزه ای میکند که چپ و راست به آن علاقمندند؟ و چرا اینچنین در دنیا باب شده است؟

اینجا میخواهیم به این سوالات جواب دهیم و در عین حال به زبان ساده ای در مورد دموکراسی و حقوق بشر صحبت کنیم و اینکه ما کمونیست‌های کارگری در این مورد چه فکر میکنیم. اولین نکته ای که از همین اول باید تاکید کنم اینست که ما دموکراسی را مطلقاً معادل آزادی و یا حاکمیت مردم یا تضمین کننده حقوق مردم و امثال اینها نمیدانیم. بلکه دموکراسی و مشخصاً دموکراسی غربی را حاکمیت سرمایه در این دوره میدانیم. و نه چیزی بیشتر (بعداً این را بیشتر توضیح میدهم). اما اول اشاره ای به گذشته دموکراسی بکنم.

حتماً میدانید که تاریخ دموکراسی به یونان و آتن باستان بر میگردد و این کلمه هم یونانی است و به معنای حکومت مردم بر مردم است. اشاره کنم که دموکراسی تاریخاً انواع و اقسام داشته.

دموکراسی مستقیم که در مقاطعی در آتن قبل از میلاد اعمال میشد و مردان آزاد آتن مستقیماً جمع میشدند و به نوبت در دولت شرکت میکردند و مستقیماً اداره امور را در دست داشتند. رده بندی‌های طبقاتی در آتن آن زمان و کلاً در آن دوره از تاریخ بشر خودش نیازمند بحث دیگری است. چون اولاً زنان هیچ حقی نداشتند و انسان حساب نمیشدند. بردگان هم طبعاً هیچ حقی نداشتند. بخشی از جمعیت هم به دلیل اینکه مالک زمین و برده نبودند مردم آزاد حساب نمیشدند اما برده هم نبودند. بهر حال فعلاً به این جنبه ها از تاریخ آن دوره کاری نداشته باشیم. اما پیشرفته ترین دولتی که در این دوره یعنی حدود پانصد سال پیش از میلاد مسیح تا سیصد سال پیش از میلاد وجود داشت همین دموکراسی مستقیم بود. نوع دیگر دموکراسی دموکراسی نمایندگی است یعنی بنا به تعریف مردم کسانی را انتخاب میکنند و به آن کسانی که انتخاب شده اند ماموریت میدهند که به نمایندگی از مردم آن سیاستها را پیاده کنند. اینها هم باید قاعدتاً در قبال مردم پاسخگو باشند و اگر بر خلاف سیاستها و تصمیماتی که مردم گرفته اند عمل کردند مواخذه و بازخواست شوند. به این میگویند دموکراسی نمایندگی. یک نوع دیگر هم دموکراسی نیابتی است. باز هم مردم کسانی را انتخاب میکنند و آن منتخبین به نیابت از طرف مردم تصمیم میگیرند و اجرا میکنند. اینها در واقع تئوریهای دموکراسی است و اینکه واقعیت چگونه است و به دوره کنونی چه ربطی دارد را بعداً کمی توضیح میدهم.

طبعاً همینکه پای مردم یا حرف مردم به مساله دولت و حکومت کشیده میشود در مقایسه با سیستم‌های خودکامه و اشرافی و سلطنتی و ملوک الطوائفی و فردی یک گام به پیش است و بسیار پیشروتر و قابل قبول تر است.

در سیستم‌های کلاسیک سلطنتی و خودکامه مردم کلاً جایی در سیاست نداشتند. حق و حقوق و حتی قانون در حرف هم معنی نداشت. رای معنی نداشت. یک شاه یا خانواده حاکم وجود داشت که فقط اراده او حرف آخر بود و مردم هم رسماً برده و بنده و رعیت و گوسفندان آن حاکم و شاه حساب میشدند. در غرب که مهد این بحثها بود زنان، سیاه پوستان، غیر سفیدان کلا، بردگان حتی بعد از اینکه این حقوق مطرح شدند جایی در حقوق و رای و برخورداری از آزادی نداشتند. کلاً نفس مطرح شدن قانون جایی است که بحث کنترل حاکمین توسط مردم به میان آمده است. قانون یعنی حساب و کتاب و ضابطه ای که معلوم میکند در برابر موقعیتهای مختلف چه اقدامی درست و چه اقدامی نادرست است. اولین قوانین قانون حق مالکیت بود. مالکیت قبلاً حق انحصاری اشراف و طبقه درباری بود. بعداً با رشد طبقه متوسط (که اجداد سرمایه داران امروزی بودند) بحث حق مالکیت برای بخشهای دیگری از مردم هم برسمیت شناخته شد. حق مالکیت. حق داشتن زمین یا خانه و دارایی. تا اینجا هنوز زنان و رنگین پوستان و سیاهان و بردگان حق مالکیت هم نداشتند. در کنار این حق انتخاب مذهب مطرح شد. یعنی حقوق و قوانین از تلاش طبقه متوسط برای برخورداری از حق مالکیت و حق انتخاب مذهب شروع شد. اما با فشار اشراف پایین دست و محروم از جمله کارگران و سیاه پوستان و بردگان و دیگر اشراف محروم جامعه، کم کم این حقوق شمول گسترده تری پیدا کردند. اینها را در تاریخ وقتی که دنبال میکنید بسیار مهم و آموزنده اند. دموکراسی اساساً مربوط به نقش مردم در دولت است و کل حقوق انسانی یا حقوق بشر را شامل نمیشود. دموکراسی آنجایی مطرح میشود و در زمانهایی که مردم وارد سیاست میشوند. اسم پیدا میکنند. بی سروپا و بنده و رعیت و

امثال اینها خطاب نمیشوند. کلمه مردم باب میشود و مردم رسماً جایگاه و احترامی پیدا میکنند و مشروعیت و مبنای حکومت تعریف میشوند.

اما نکته مهم اینست که بدانیم که این مردم چقدر عملاً حق و حقوقی پیدا میکنند. از قرن هیجده که بحث قانون و حقوق و به درجه کمتری بحث دموکراسی هم مطرح شد تا قرن بیست رسماً هنوز حق رای عمومی به اجرا گذاشته نشده بود و اکثر مردم حق رای نداشتند. زنان اصلاً جزو شهروندان و انسانهای عادی حساب نمیشدند و طبعاً از حق رای هم محروم بودند. در صورتیکه قبلاً در فرانسه و آمریکا بیانیه حقوق و حقوق انسانی و اینها تصویب شده بود. بنابراین پذیرش این حقوق در حرف به معنای عملی شدن آن‌ها نبود. طبقه سرمایه دار وقتی که به حقوق خودش و بویژه حق مالکیت و دخالت در دولت و انتخاب مذهب را پیدا کرد سعی کرد اقسار دیگر را کنار بزند. سرمایه داران با رسیدن به قدرت با اشراف سازش کردند و شاهان و ملوک را تا آنجا که میتوانستند نگه داشتند که هنوز هم بقایایی از انرا در کشورهای مثل انگلیس و دانمارک و سوئد و ژاپن می بینیم. کلیسا و مسجد و دستگاه مذهب را هم همه جا به درجات مختلفی نگه داشتند و حمایت کردند.

دموکراسی و حقوق انسانی در اواخر قرن هفده و هیجده و بویژه با انقلاب فرانسه در سالهای دهه هفتاد قرن هیجده صورت گرفتند یک بار دیگر وسیعاً مطرح میشود و به بحث روز تبدیل میشود. البته اساساً تحت عنوان حقوق مردان نه دموکراسی. بویژه انقلاب فرانسه با به زیر کشیدن سلطنت و اشرافیت و کلیسا نقش زیادی در شکل دادن به این دوره جدیدی داشت که به سلطه سرمایه داری در همه جای جهان

انجامید. در دل انقلاب فرانسه هم دو گرایش اساسی مشاهده میشد که یکی میخواست فقط قشر بالایی طبقه متوسط که آن زمان اسمی بود برای سرمایه داران نوپا، صاحب حق و حقوقی بشوند و بویژه حق مالکیت داشته باشند که تا آن زمان فقط مختص اشراف و درباریان بود. این گرایش مساله اش اصلا توده مردم نبود و به حقوق آنها کاری نداشت بلکه میخواست سرمایه داری نوپا حق حیات و نشو و نما پیدا کند. یک گرایش چپ و مردمی و کارگری هم وجود داشت که تحت نام سن کلوتسها یا پابرهنگان (که از اقشار زحمتکش و کارگر و کارکن مثل خیاطان و آهنگران و رفتگران و امثال آنها تشکیل میشد)، هی مدام فشار می آورد که مردم حق داشته باشند در تصمیمات حکومت دخالت کنند. در عرض سه سال در انقلاب فرانسه چهار بار حقوق انسانی با فشار پایین تعریف و بازنشر شد. یکی از چهره های شاخص فرموله کردن و دفاع از حقوق انسانی در آن دوره توماس پین کارگر خیاط انگلیسی - آمریکائی است که مستقیماً در جدال بر سر حقوق انسانی چه در آمریکا و چه در فرانسه حضور فعال و مستقیم داشته است و نوشته هایی هم در این زمینه دارد. بهرحال اینها بالاخره نیتجه اش این شد که بیابیه حقوق بشر یا حقوق مردان یا رایتس اف من در فرانسه فرموله بشود و مجلس قانونگذاری تعریف بشود و آدمها حقوق و اختیاراتی پیدا کنند.

اما بعداً با شکست جناح چپ انقلاب که مونتاتاردها و ژاکوبنها بودند و در راس آنها روبسپیر و سن ژوست چهره های اصلی بودند، سلطه جناح راست سرمایه داری و بعد روی کار آمدن دیکتاتوری ناپلئون همه اینها عقب رانده میشود و بحث حقوق مردمی فقط به ایجاد یک مجلس و یک حقوق فرمال محدود باقی میماند. نه حق انتخاب و حق رای عمومی وجود دارد و نه حق

رای زنان. پس از آن شورشها و انقلابات و اعتراضات در قرن نوزده بسیار گسترده است. در ادامه این خیزشها در اواخر قرن یعنی در سال ۱۸۷۱ کمون پاریس را داریم که در واقع یک انقلاب کارگری است. عمر این حکومت بسیار کوتاه بود. یعنی حدود دو ماه. اما علیرغم کمبودهایی که داشت (و همانها هم باعث شکستش شد)، تحولی را در تفکر بشریت برای رفتن به سمت خلاصی از سرمایه داری و طبقه حاکم و برپایی حکومت کارگری گشود که با انقلاب اکتبر روسیه پی گرفته شد. این تحولات و بویژه انقلاب اکتبر باعث شد که یک بار دیگر بحث حق و حقوق مردم و دموکراسی در دنیای سرمایه داری جلو بیاید.

دولت نوپای شوروی در سال ۱۹۱۷ حق رای عمومی و حقوق برابر زن و مرد را اعلام کرد. حق کار حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و امثال اینها را به اجرا گذاشت. دستمزد برابر زن و مرد - و ازدواج عرفی را مرسوم کرد و حق طلاق را به زنان هم داد. سه سال بعد از آن در آمریکا حق رای زنان برسمیت شناخته میشود. فرانسه در سال ۱۹۴۴ حق رای زنان را برسمیت شناخت. در ژاپن در سال ۱۹۴۸ این حق برسمیت شناخته میشود.

در ایران اولین قانون مشروطه زنان را از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم کرده بود و بعداً در سال ۱۳۴۲ یعنی ۱۹۶۳ بود که با به اصطلاح انقلاب سفید پهلوی دوم که زیر فشار دولت کندی به اجرا گذاشته شد، حق رای به صورت فرمال به زنان هم داده شد. قبل از آن در جمهوری خودمختار آذربایجان که همزمان با انقلاب اکتبر شوروی بود حق رای زنان به رسمیت شناخته شده بود اما با شکست این حکومت توسط رضا شاه این حق و کلیه حقوقی که به مردم داده شده بود برچیده میشود. مصدق هم که قهرمان جریانات ناسیونالیست حساب میشود

با حق رای زنان موافق نبود. این مقدمه را گفتم که با متن موضوع بیشتر آشنا شوید.

حقوق انسانی محصول جدال چپ و طبقه کارگر

اما برگردیم به دموکراسی. اولین نتیجه ای که از تاریخ دموکراسی و حقوق بشر بویژه در انقلاب فرانسه و انقلاب آمریکا گرفته میشود اینست که کلاً مطرح شدن حقوق انسانی یا حقوق بشر یعنی حق رای عمومی، حق رای زنان، برابری زن و مرد، و حق تشکل و امثال اینها به جدال و تلاش چپ و طبقه کارگر در دوره های مختلف گره خورده است. و این طیف است که مساله حقوق انسانی و دموکراسی را از اساس جلو کشیده و مطرح کرده و در دوره های مختلف برای آن جنگیده است و نه آنطور که ادعا میشود طبقه سرمایه دار و بورژوازی و جریانات راست. دومین نکته اینست که آنچه در دوره کنونی بنام دموکراسی غربی مطرح شده، با دموکراسی در یونان باستان بسیار متفاوت است. این نه دموکراسی مستقیم است و نه دموکراسی نمایندگی بلکه دموکراسی نیابتی است. عده ای با رای مردم انتخاب میشوند و چهار سال به نیابت از مردم و یا بنام مردم اما در واقع بر اساس منافع و مصالح سرمایه داران هر کار خواستند میکنند. در خود انتخابات هم اساساً از طریق رسانه های اصلی بورژوازی مردم را مغزشویی میکنند و به پای صندوق رای میکشانند که به نفع این یا آن رای بدهند. کاملاً بر خلاف آنچه تبلیغ میکنند این به هیچ وجه با حقوق انسانی مترادف و یکی نیست. دموکراسی یا بهتر است بگویم دموکراسی غربی در واقع یک نوع گسترش پایه مردمی حاکمیت سرمایه داران است و نه حقوق مردم. دموکراسی به حاکمیت سرمایه داران مشروعیت و ظاهر مردمی میدهد. یعنی فقط مربوط به حاکمیت است.

شما حق دارید رای بدهید اما اینکه حق داشته باشید تشکل داشته باشید یا آزادی بیان داشته باشید یا حق طلاق داشته باشید و غیره ربطی به دموکراسی ندارد. دموکراسی رای دادن برای دولت دارند و چه کسانی حق انتخاب شدن دارند. همین. به همین دلیل دو سه قرن دولتهای دموکرات وجود دارند و پارلمان و قانون اساسی و انتخابات و همه اینها را دارند اما زنان زیر تبعیض هستند. از دستمزد برابر برخوردار نیستند. حق رای عمومی وجود ندارد. مردم بویژه کارگران آزادی بیان و حق تشکل ندارند و هیچکس هم نمیگوید که این محدودیتها با دموکراسی نمیخوانند. بنابراین باید دموکراسی را از حقوق فردی یا حقوق شهروندی تفکیک کرد و اینها دو چیز متفاوتند. برای رفع این کمبود و در پاسخ به این تناقض جریانات طرفدار دموکراسی "حقوق بشر" را هم به پلاتنرم خود اضافه میکنند. دموکراسی و حقوق بشر. دموکراسی لیبرال. تازه خود حقوق بشر هم همانطور که اشاره کردم از فشار چپ و پایین در انقلاب فرانسه و آمریکا و دوره بعد از آن در اثر مبارزات طبقه کارگر و سوسیالیستها و چپها در انگلیس و فرانسه و کشورهای دیگر جلو آمد و مطرح شد.

اما بورژوازی در این دوره از حقوق بشر بعنوان یک سلاح در جنگ سرد استفاده کرد و تلاش کرد با حقوق بشر مقابل بلوک شوروی قد علم کند. در حقوق بشر حق حیات هست اما ممنوعیت اعدام نیست. جدایی مذهب از دولت نیست. حق درمان رایگان و آموزش رایگان نیست و خیلی از حقوق پایه ای مردمی نیست. از میان این حقوقی که مطرح شده یکی است که بسیار کلیدی و حیاتی و مقدس است و آن حق مالکیت است. تمام حقوق دیگر میتواند توسط این یا آن دولت دولت لگد مال شود و دور انداخته شود. و میشود. اما اگر در یک گوشه ای از دنیا خدشه ای به حق مالکیت خصوصی

وارد شود فوراً ارتشها را خبر میکنند و شاهان و ملکه ها رگ گردنشان بیرون میزند و اعلام جهاد و جنگ میکنند. بنابراین در میان حقوق بشر که ۳۰ بند است هدف اصلی همان یکی است که اسمش حق مالکیت است. بقیه فقط برای کسب وجهه مردمی است. اما ایراد اصلی این نیست. مساله اینست که کل اعلامیه حقوق بشر را در اواسط قرن بیست بعنوان یک سلاح و ابزار علیه بلوک شرق و سرمایه داری طراحی کردند و جلو کشیدند. حقوق بشر و دموکراسی از نظر طراحان و مدافعانش یعنی نه به کمونیسم و آری به سرمایه داری غربی. این پیام به حقوق بشر الصاق شده است. یعنی حقوقی که اساساً از جانب چپ و طبقه کارگر مطرح شد و برای آن مبارزات بسیار درخشان و شکوهمند و سختی توسط کارگران و سوسیالیستها در سده های قبلتر صورت گرفت، در قرن بیست بعنوان ابزاری علیه خود طبقه کارگر و چپ مورد استفاده قرار گرفت.

بنابراین اولین نکته مهم در مورد دموکراسی اینست که بدانیم که دموکراسی و حقوق بشر اشاره به یک بلوک جهانی بنام بلوک غرب دارد. کسی که امروز میگوید من طرفدار دموکراسی هستم در واقع دارد تأکید میکند که خود را متعلق به دنیای سرمایه داری غرب میداند. حقوق بشر هم همینطور است. وقتی کسی میگوید من طرفدار حقوق بشر هستم یعنی از سرمایه داری و مالکیت خصوصی دفاع میکنم. یعنی بحث بر سر این نیست که جریانات به اصطلاح طرفدار دموکراسی و حقوق بشر هم و غم خود را دفاع از همین حقوقی که در اعلامیه حقوق بشر تعریف شده میگذارند و برای آن تلاش و فعالیت میکنند و آنرا تبلیغ میکنند و از آن ها کوتاه نمی آیند. اینها در واقع یک نوع قسم ایدئولوژیک است برای اینکه اولاً فشار چپ و کارگر را از سر خودشان

رابطه امیدوارم بعدا بیشتر صحبت کنیم. اما این را هم بگویم که نفس اداره شورایی بخودی خود همه موانع تصمیم گیری عمومی را از بین نمی برد. نباید توهم داشت که با وجود سیستم سرمایه داری با بفرض تعویض اداره امور به اداره شورایی وضع بطور اساسی عوض میشود. اگر بخواهیم که مردم زمام امور را بدست بگیرند باید کل سیستم اقتصادی و اجتماعی و اداری از سیستم سرمایه داری یعنی حاکمیت اقلیت سرمایه دار، به یک سیستم سوسیالیستی و مردمی تبدیل شود. نمیشود فقط سیستم اداری را عوض کرد و سرمایه دار و استعمار و مالکیت خصوصی و غیره سر جایش بماند و انتظار معجزه داشت. سیستم موحود سرمایه داری است و سیستم حاکمیت هم هرکارش بکنید سرمایه داری است.

برای اینکه مردم و یا شهروندان تصمیم گیرنده سرنوشتشان باشند باید نظامی که اساسش بر استعمار اکثریت است از بین برود و اداره امور جامعه به دست خود مردم سپرده شود. این تلاش ما و همه مردم علیه اوضاع موجود است.

در آخر به همه دوستان توصیه میکنم که بحثهای ارزنده منصور حکمت تحت عنوان دموکراسی تعبیر و واقعیات را حتما مطالعه کنند.

بگیرد. علیرغم اینکه خیلی سیاستها و حرفهای روشنی به نفع مردم داشته باشد.

بنابراین و به دلایل بسیار دیگری که اینجا فرصت بحث در مورد آنها نیست، دموکراسی هیچ ربطی به حاکمیت مردم ندارد. یک سیستم بنام سرمایه داری وجود دارد و طبقه حاکمش سرمایه داران هستند و اینها کاری میکنند که نمایندگان همین طبقه چه دموکرات چه جمهوریخواه یا محافظه کار و غیره سر کار بیایند و نه کس دیگری.

ما از چه دفاع میکنیم؟

ما از سیستم شورایی دفاع میکنیم. حکومت شورایی بهترین سیستم تاکنون شناخته شده ای است که به همه مردم نه فقط حق انتخاب کردن و انتخاب شدن میدهد بلکه امکان دخالت مستقیم میدهد. نمایندگان مستقیما از جانب مردم انتخاب میشوند و هر وقت انتخاب کنندگان تصمیم بگیرند میتوانند آنها را عزل کنند. بویژه در دوره کنونی یعنی دوره تکنولوژی ارتباطاتی و مدیای اجتماعی و اینترنت و دهکده جهانی شرایط برای دخالتگری مستقیم مردم در سرنوشتشان و تصمیم گیری در مورد جامعه و زندگی اجتماعی بسیار عملی و ممکن و واقعی است. در این

آنها تایید میکنند. در همین سالیهای اخیر شاهد بودیم که در آمریکا برنی ساندرز بسیار محبوبتر از همه سیاستمداران دمکورات بود اما چون خود را چپ و سوسیالیست میدانست دستگاه تصمیم گیرنده حزب دموکرات او را کاندید نکرد و جو بایدن را جلو انداخت. یا در دوره قبل از آن هم با اینکه ساندرز از بالاترین محبوبیت در میان مردم برخوردار بود خود دموکراتها به او رای ندادند و هیلاری کلینتون را مقابل ترامپ قرار دادند و ترامپ برنده شد. دقت کنید! ترامپ نه تجربه سیاسی داشت نه محبوبیت مردمی داشت و نه شق القمری کرده بود. برعکس بسیار هم منفور بود. فقط مزیتش این بود که از همه کاندیداها پول بیشتری در اختیار داشت و خرج دستگاههای تبلیغاتی کرده بود.

نکته ام اینست که دموکراسی و حق رای مردم در انتخابات باعث نمیشود که مردمی ترین چهره ها انتخاب شوند. بلکه آنها که دستگاه تبلیغاتی قوی تری دارند برنده میشوند و تازه باید نظر رهبران اصلی جناح راست بورژوازی را هم جلب کنند. در همه کشورهای اصلی دموکرات دو حزب اصلی وجود دارند که بنوبت یکی دولت را در دست میگیرد. این دموکراسی یک ذره باعث نمیشود که رهبر کارگری یا معلم یا پرستار یا سیاستمدار سیاسی چپ زمام امور را در دست

و چهار سال به نیابت از آنها هرکار خواست بکند. موانع زیادی هم تعبیه شده که نشود جلوی آنها را گرفت. دموکراسی به حاکمیت طبقه سرمایه دار مشروعیت و ظاهر مردمی میدهد. دولتهای دموکراتیک تماما دولتهای طبقه سرمایه دار هستند و از استعمار کارگران و قوانین سرمایه داری با تمام وجود دفاع میکنند. اما با دموکراسی و انتخابات نمیتوانند ادعا کنند که حکومتهای مردمی هستند. مردم آنها را انتخاب کرده اند و گویا قدرت و اختیارات خود را از مردم میگیرند. این یعنی بسط پایه حاکمیت طبقه سرمایه دار. اکنون تجربه همه دولتهای دموکراتیک نشان میدهد که این دولتها حتی آزادترینشان هیچ ربطی به مردم ندارند. حتی در میان افراد و نمایندگان طبقه حاکم محبوبترین ها و به اصطلاح مردم دار ترینها و بهترینهایشان نیستند که بعنوان رئیس جمهور و نخست وزیر و نماینده انتخاب میشوند. بلکه آنها که پول و ثروتهای بیشتری دارند و میتوانند تبلیغات انتخاباتی فعال و گسترده ای داشته باشند و احزاب اصلی آنها را ساپورت میکنند جلو می آیند. ترامپ و بوش و بوریس جانسون و امثالهم به هیچ وجه محبوبترین چهرهای سرمایه داران نیستند بلکه جزو ثروتمندترینهایشان هستند. این آن واقعیتی است که تجربه همه کشورها

کم کنند و مهمتر اینکه اعلام کنند که من طرفدار سرمایه داری غریب. طرفدار فرهنگ غربی. چون غرب و نه غربی خیلی چیزهای ارزند دارد که باید از آن اموخت. طرفداری از دموکراسی یعنی من خود را متعلق به بلوک سرمایه داری غرب وابسته به آن یا بهرحال طرفدار آن میدانم و از مالکیت خصوصی طرفداری میکنم. این در عین حال یعنی تهمی کردن حقوق انسانی از محتوای واقعی و هدف واقعی خود. قرار نیست با دموکراسی و حقوق بشر دیکتاتوری علیه اکثریت مردم پایان یابد. قرار نیست همه مردم صاحب حقوق سیاسی و اجتماعی شوند. قرار نیست درمان و آموزش و رفاه به همه مردم تعلق گیرد. دموکراسی و حقوق بشر تا امروز بخودی خود در هیچ کجا مطلقا چنین دستاوردهایی به نفع مردم نداشته است. اگر در جاهایی شاهد درجه ای از برخورداری مردم از حقوق انسانی هستیم نه در نتیجه اعلام پایبندی بورژوازی به این نوع حقوق، بلکه در نتیجه مبارزات خود کارگران و سوسیالیستها و زنان و مردم حق طلب بوده است.

از نظر عملی هم دموکراسی غربی چیزی جز بسط پایه اجتماعی دولتهای سرمایه داری نیست. مردم رای میدهند تا یک حکومت و دولت و مجلسی سرکار بیاید

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL DJADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سپیده قلیان در پاسخ به رئیس سازمان زندان‌ها: فساد قوه قضائیه بر ما پوشیده نیست



سپیده قلیان با انتشار نامه‌ای از زندان بوشهر به ادعاهای مطرح شده توسط محمد مهدی حاج محمدی، رئیس سازمان زندان‌ها پاسخ داده و یادآور شده که فساد در قوه قضائیه بر کسی پوشیده نیست.

سپیده قلیان در بخشی از این نامه می‌گوید: «در اولین و آخرین مکاتباتم از شما می‌خواهم به جای اینکه بعد از دو سال نگران وضعیت من و خانواده‌ام شوید یا به کیلومترهایی که آنها طی می‌کنند فکر کنید، برگردیم به سوال اصلی: امید اسدیگی کجاست؟ همدستان غارتگر هفت‌تپه کجا هستند؟ فساد قوه قضائیه بر ما پوشیده نیست.»

محمد مهدی حاج محمدی، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، روز جمعه ۷ خرداد با انتشار عکسی در حساب کاربری توئیترش، نوشت: ضمن بازدید از زندان بوشهر، با سپیده قلیان، فعال مدنی و حامی کارگران دیدار کرده است. رئیس سازمان زندان‌ها ادعا کرد که شخصا «پیگیر وضعیت سپیده قلیان» شده و او از «شرایط و امکانات در اختیارش راضی بود» و از «شیرینی‌هایی که خودش در زندان پخته را تعارف می‌کرد».

رئیس سازمان زندان‌ها همچنین تأکید کرد که سپیده قلیان از «بابت سختی رفت و آمد خانواده‌اش نگران بود».

سپیده قلیان که در حال حاضر دوران محکومیت خود را در زندان بوشهر سپری می‌کند، یک‌شنبه ۹ خرداد با انتشار نامه‌ای از زندان بوشهر در پاسخ به ادعاهای

پرونده دزدیهای کلان حسن میرکامی معروف به «حسن رعیت» از نزدیکان بابک زنجانی و آملی لاریجانی رئیس سابق قوه قضائیه و از عوامل اصلی سرکوب اعتراضات مردم در سال ۱۳۸۸ دوباره خبرساز شده است. این خبر را فارس با برجسته کردن نقش رئیسی در «مبارزه با فساد» منتشر کرده است. «حسن رعیت» ظاهراً از باند خامنه‌ای طرد شده و قرار است بیت رهبری وی را قربانی کرده تا سایر دزدانش را به حاشیه‌های امن نظام ببرد. بیت رهبری با سپاه این خبر را در بوق و کرنا کرده تا برای جانی رئیسی، «قهرمان خامنه‌ای» در مبارزه با فساد رای جمع بکنند.

گزارش فارس از جریان محاکمه حسن میرکامی معروف به «حسن رعیت»:

خبرگزاری فارس: سپاه پاسداران در باره روند رسیدگی به پرونده میرکامی به نقل از خاکبازان (وکیل متهم حسن میرکامی معروف به حسن رعیت) نوشته: «موکلم صرفاً بدهکار است نه اخلاک‌گر و سرجمع این بدهی‌ها ۴۰ میلیون دلار است». نماینده بانک صادرات هم که گویا به عنوان شاهد این دزدیها در دادگاه حضور دارد، گفته است: میرکامی تنها ۱۳۰ میلیون دلار به بانک صادرات بدهکار است حال چگونه مبلغ کل بدهی وی، ۴۰ میلیون دلار عنوان می‌شود؟ وکیل وی می‌گوید: نماینده دادستان معتقد است که ارزش دریافتی به جای هزینه در خط تولید، صرف اجناس بنجل و واردات ضایعات شده درحالی که موکل بنده تولیدات خوبی به راه انداخته است، حال این موضوع می‌تواند با ارجاع به کارشناسی، راستی‌آزمایی

شود چراکه میرکامی خط تولید به راه انداخته بود..... اما حسن میرکامی معروف به «حسن رعیت» کیست؟

نام حسن میرکامی معروف به «حسن رعیت» برای اولین بار در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ به عنوان «تیروهای ارزشی بیت رهبری» مطرح شد. پس از آن عکسی از وی سوار بر موتور و با اسلحه کمری منتشر شد. بزودی معلوم شد که وی در انتخابات سال ۱۳۸۸ و در جریان سرکوب اعتراضات نقش داشته و از او به عنوان گروهی از موتورسواران لباس شخصی که با افراد معترض در خیابان برخورد کرده است، یاد میشود. چند سال بعد و در ماجرای رسیدگی به پرونده دزدیهای زنجانی، مرتضوی و برادران لاریجانی، عکسی از وی در کنار آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضائیه منتشر شد. در جریان محاکمه بابک زنجانی تضابری از وی در هواپیما با زنجانی و جمعی از مداحان بیت رهبری خبرساز شد. در جریان محاکمه شریک و بعدها محاکمه شریک زنجانی، امیر منصور آریا که محکوم به اعدام شد، تضابری دیگری از وی در کنار سعید مرتضوی و برخی دیگر از دزدان و قاتلان حکومتی از باند احمدی نژادها نیز منتشر شد.

کانال تلگرامی امتداد درباره وی می‌نویسد: میرکامی در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ همان زمان که به همراه مداح مشهور محمود کریمی هفت تیر کشی میکرد؛ یا با بابک زنجانی عکس‌های اسلحه به دست منتشر می‌کرد، جزو اصحاب خلوت سعید مرتضوی و بابک زنجانی به حساب می‌آمد.

دوستی رعیت با «محمود کریمی» و «محمد رضا طاهری»، دو مداح محبوب خامنه‌ای، که از هیئت ثارالله آغاز شده بود، بعدتر چنان گسترده شد که ویلا و باغ وحش خصوصی وی در اتوبان تهران- کرج، علاوه بر کریمی و طاهری، به پاتوق اکثر مداحان مطرح بیت رهبری بدل شده بود.

لازم به یادآوری است که در جریان محاکمات دزدان حکومتی چند سال پیش باند برادران لاریجانی این دزد حکومتی را در دوره صدارت آملی لاریجانی در قوه قضائیه زیر چتر حمایتشان گرفته و در برابر فشارهای باند دیگر حکومت، از وی دفاع کردند. وی گفته بود اسنادی در دست دارد که نشان می‌دهد برادران لاریجانی چه کارهایی کرده‌اند.

«حسن رعیت» تنها یکی از صدها دزد و همزمان از قمه کشان حکومتی در دهه‌های اخیر است. فساد و دزدی در کل سیستم نهادینه شده. در این سیستم هر قدر بیشتر جنابت بکنی و سرسپردگی ات را به خامنه‌ای و سپاه نشان بدهی به همان درجه مقام و پول میگیری و حالا یکی از جانی‌ترین و وحشی‌ترین اینها، یعنی رئیسی را قرار است رییس جمهور کنند که به خیال خود یکدستی بیشتری در حلقه قدرت ایجاد کنند. اما بساط همه اینها را مردم با انقلاب عظیم شان جارو خواهند کرد.

۹ خرداد ۱۴۰۰، ۳۰ می ۲۰۲۱

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

ادامه از میدای اجتماعی حزب از صفحه ۱۳

روز جهانی دوچرخه سواری و ممنوعیت دوچرخه سواری برای زنان در ایران

پیام بتول حسینی مادر بهنام محجوبی خطاب به رئیسی



زنان را به هر بهانه سرکوب کند اما در مقابل زنان ناتوان است. و زنان برای یک شادی معمولی مانند دوچرخه سواری هم در حال مبارزه و جنگ تن به تن هر روزه با حکومت تجر و ارتجاع هستند.

انقلاب زنانه معتقد است زنان همانطور که از سال ۵۷ در مقابل حجاب اجباری مقاومت کردند و حجاب تبدیل به معضل برای جمهوری اسلامی شده همچنین از سایر خواست ها و حق و حقوق طبیعی خود کوتاه نمی آیند و حکومت در برابر زنان در ایران عاجز است و زنان در صف مقدم برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. حکومت زن ستیز محکوم به سرنگونی است.

برگرفته از انقلاب زنانه

دوچرخه سواری بانوان منجر به اختلاط دختر و پسر میشود و دین اسلام این اختلاط را جایز نمی داند.

از طرفی بختیار رحمانی فوتبالیست در اعتراض به تبعیض های متعدد علیه زنان در ایران گفت زنانی که رای می دهند را درک نمیکند و یکی از دلایل آن را ممنوعیت دوچرخه سواری بانوان عنوان کرده.

از طرفی حکومت از مقاومت مداوم زنان در مسئله دوچرخه سواری چنان مستاصل شده که به عنوان نمونه ابوالحسن مهدوی نماینده اصفهان در مجلس خبرگان اظهار داشته که جان ما از دوچرخه سواری زنان به لب رسیده.

جمهوری اسلامی میخواهد

پنجشنبه ۱۳ خرداد مصادف با سوم ژوئن روز جهانی دوچرخه سواری بوده است. در ایران دوچرخه سواری برای زنان ممنوع است و از سمت نهادهای مختلف این ممنوعیت تاکید میشود. اما همچنان زنان در مقابل این ممنوعیت مقاومت میکنند و این مقاومت سبب اظهار نظرهای گاه و بی گاه توسط مقامات حکومت جمهوری اسلامی میشود.

از جمله اظهارات عبدالهی نژاد دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر اصفهان در مورد دوچرخه سواری زنان که گفت دوچرخه سواری بانوان یک عقبه اجتماعی و امنیتی دارد و امر به معروف ورود میکند. و یا اظهار نظر ابوالحسن مهدوی امام جمعه وقت اصفهان که گفت



بتول حسینی مادر #بهنام_ محجوبی که در زندان جمهوری اسلامی زیر شکنجه کشته شد، خطاب به رئیسی که کاندیدای ریاست جمهوری ۱۴۰۰ ایران است میگوید: " بهنام امانت دسته شما بود و او را کشتید، شما که نتوانستید امانت دار یک نفر باشید، چطور میخواهید امانتدار ۸۰ میلیون جامعه ایران باشید"

مادران دادخواه یکی پس از دیگری پیام حاوی از خشم و نفرت خودشان نسبت به جمهوری جنایتکار اسلامی و عزم جزم شده خود برای سرنگونی این حکومت را منتشر میکنند، هر پیام و هر مادر دادخواه خاری است در چشم جمهوری اسلامی، بازنده این نبرد قطعا جمهوری اسلامی خواهد بود.

انقلاب زنانه به همه زنان، دانشجویان، رنگین کمانی ها، آتئیستها و سکولارها و ضد دین ها، کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و کادر درمان، جویندگان کار، دانش آموزان دبیرستان و فعالان جنبش های اعتراضی، از جمله زنان، دانشجویی، کارگری، لغو کار کودک، لغو اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، رنگین کمانی ها، محیط زیست و دیگر جنبشها و همه هنرمندان معترض و همه کسانی که اولین گام رهایی مردم ایران به ویژه زنان را سرنگونی جمهوری اسلامی میدانند فراخوان میدهد به کارزار رای ما سرنگونی و "صدای مادران دادخواه" پیوندند!

اطلاعیه های حزب

لیست آکسیونها و تجمعات علیه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی شنبه ۵ ژوئن

آلمان

فرانکفورت
شنبه ۵ ژوئن، از ساعت ۱۵ مقابل
کنسولگری جمهوری اسلامی ایران
Raimundstraße 90
Frankfurt am Main 60320

برلین
شنبه ۵ ژوئن روبروی سفارت جمهوری
اسلامی
P0dbielskiaallee ۶۷
برلین ۱۴۱۹۵
تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۸۶۰۷۲۲۱۰

کاسل
شنبه ۵ ژوئن از ساعت ۱۶

هانوفر
شنبه ۵ ژوئن، از ساعت ۱۶
ایستگاه مرکزی قطار
Bahnhof / Neben Kaufhof Galerie
تماس: ناصر کشکولی حمید رضا ایوبی
۴۹۱۷۹۴۲۴۹۰۴۷۰۰+
۴۹۱۷۷۲۹۵۸۴۸۳+

هلند

لااهه
شنبه ۵ ژوئن ساعت ۱۴ مقابل سفارت ننگین
جمهوری اسلامی

خرونینگن
شنبه ۵ ژوئن، اطلاعات دقیق متعاقباً اعلام
می شود

انگلستان

لندن
شنبه ۵ ژوئن از ساعت ۵ بعد از ظهر
میدان ترافالگار، جلو نشنال گالری
تلفن تماس: ۰۷۸۲۸۰۲۵۶۳۸

ونکوور
جمعه ۴ ژوئن، از ساعت ۱۸
مقابل مجسمه سنگی خیابان ساحلی ونکوور

سوئد

استکهلم:
شنبه ۵ ژوئن از ساعت ۱۷ میدان سرگل
تماس: هرمز رها ۴+۴۶۷۳۹۶۳۴۲۵۱

یوتبری
دوشنبه ۷ ژوئن ساعت ۱۷:۳۰ تجمع در
مرکز شهر
روبه روی ایستگاه مرکزی قطار
شماره تماس ۴۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹+ عبدالله
اسدی

مالمو
شنبه ۵ ژوئن ساعت ۱۴ مرکز شهر میداان
گوستاو آدولف

کانادا

تورنتو
شنبه ۵ ژوئن ساعت ۱۸
۶۱۰۳ خیابان یانگ، پلازای ایرانیان
تلفن اطلاعات:
۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸+



کشتار دانشجویان و اساتید در چاریکار افغانستان قویا محکوم است! کشتار تازه جمهوری اسلامی: کشتن عبدالله بترانی شهروند اهوازی در زیر شکنجه حکومت جانیان باید جوابگو باشد!

روند مذاکرات با طالبان باید فوراً متوقف شود.

حکومت باید به خاطر لیست طولانی جنایت و کشتار و همچنین قتل عبدالله بترانی مورد بازخواست و اعتراض شدید همه ما قرار گیرد. نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی با بکارگرفتن تهدید و ارباب خانواده ها جنایات خود را لاپوشانی کند. ساکنین اهواز لازم است که علیه قتل جنایتکارانه عبدالله بترانی دست به اعتراض بزنند و خواهان جوابگویی حکومت شوند. مراسم گرامیداشت عبدالله بترانی را به اعتراض علیه این جنایت رژیم تبدیل کنید. حکومت آدمکش و قاتل جمهوری اسلامی باید به زیر کشیده شود و همه سران جنایتکار این رژیم باید دادگاهی و محاکمه شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ خرداد ۱۴۰۰- ژوئن ۲۰۲۱

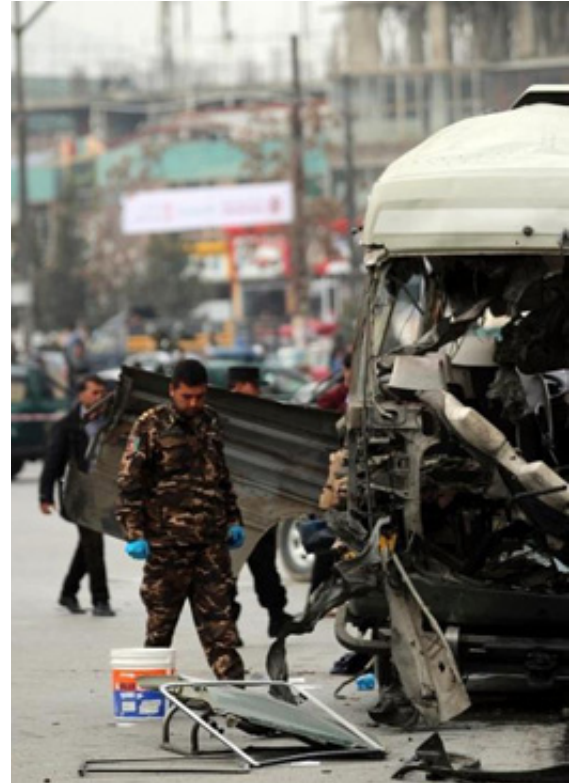
دو فرزند بود. بنا به گزارشات وی از طریق دستفروشی امرار معاش می کرد. گفته می شود که ماموران کلانتری ۱۷ اهواز درخواست رشوه از او داشتند ولی عبدالله از دادن رشوه امتناع می کند و با آنها درگیر می شود. بنا به برخی از گزارشات وی به هنگام بازگشت به خانه توسط دو ماشین نیروی انتظامی و بدون داشتن حکم جلب بازداشت و به بازداشتگاه کلانتری ۱۷ منتقل می شود و زیر شکنجه جاننش را از دست میدهد.

این اولین بار نیست که شهروند دستفروشی در اهواز توسط نیروهای جمهوری اسلامی به قتل می رسد. در مهر ۱۳۹۷ نیز مامورین جمهوری اسلامی یک جوان دستفروش ۲۲ ساکن اهواز بنام مصطفی حیدری را با شلیک گلوله به قتل رساندند.

این جنایات جمهوری اسلامی نباید بی جواب بماند. این

اخیرا شهروندی بنام عبدالله بترانی از اهالی کوی علوی در شهر اهواز پس از دستگیری زیر شکنجه های وحشیانه مامورین جمهوری اسلامی به قتل رسیده است. وی روز یکشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۰ در خیابان بیستم آزادی کوی علوی دستگیر می شود. به همراه وی فرزند ایشان هم دستگیر می شود. عبدالله بترانی پس از آنکه دو روز در مقابل چشمان فرزندانش شکنجه وحشیانه شد کشته می شود. اهالی محل می گویند اداره اطلاعات خوزستان خانواده بترانی را تهدید کرده اند که از مصاحبه با رسانه ها خودداری کنند. حتی گفته می شود که پس از بازداشت و کشته شدن عبدالله بترانی مامورین حکومت اقدام به جمع آوری تمامی دوربین های مدار بسته منازل و مغازه های نزدیک به محل بازداشت کرده اند.

عبدالله بترانی ۳۷ ساله فرزند حمید، متاهل و دارای



افغانستان خارج می کنند و این مساله چشم انداز حمله گسترده تر نیروهای اسلامی به مردم افغانستان را بیش از پیش واقعیت می بخشد.

دانشگاه سنگر آزادی و برابری، کشتار دانشجویان و هر گونه جنابیتی علیه مردم افغانستان توسط نیروهای دانشجویان و مردم افغانستان اعلام همبستگی می کند. با حمایت از دانشجویان و مردم افغانستان، اعلام می داریم که سریعاً باید چنین جنایاتی به طور کل در تمامی منطقه توسط اسلام سیاسی متوقف شود و روند کذایی صلح با طالبان که اساساً زمینه ساز گسترش جنایت علیه شهروندان است باید خاتمه پذیرد.

دانشگاه سنگر آزادی و برابری
۰۹ خرداد ۱۴۰۰
۳۰ مه ۲۰۲۱

روز شنبه ۲۹ مه (هشتم خرداد)، یک اتوبوس حامل استادان و دانشجویان در کابل هدف حمله تروریستی قرار گرفته و در اثر انفجار یک بمب کارگذاری شده در کنار جاده در شهر چاریکار، دست کم چهار نفر کشته و بیش از ۱۲ نفر مجروح شده اند. این چندمین بار در ماههای اخیر است که در ماههای اخیر آموزش، دانشجویان، خبرنگاران و شهروندان عادی قربانی جنایات اسلامی می شود.

در حالی که اسلام سیاسی به رهبری طالبان در جامعه افغانستان جنایت پشت جنایت می آفریند، دولت افغانستان و سایر قدرتهای جهانی مذاکرات برای بازگرداندن طالبان به قدرت سیاسی را به رغم اعتراضات مردم افغانستان، ادامه می دهند. در همین هفته ها شاهد هستیم که نیروهای نظامی دولت آمریکا و متحدینش هم یک به یک نیروهای خود را از

۱۳ خرداد: سومین روز از دور جدید اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

ایجاد تفرقه در صفوف آنان را دارند. آنها برای اهداف کثیف خود حتی از تهدید جانی کارگران نیشکر هفت تپه نیز فروگذار نکرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که اگر کوچکترین اتفاقی برای یکی از کارگران بیفتد، عواقبش با نظری دادستان و مقامات امنیتی استان است. کارگران نیشکر هفت تپه هوشیارانه و با قدرت تصمیم گیری شورایی خود متحدانه در مقابل این دسیسه ها ایستاده اند و اولین تلاششان حفظ هفت تپه در دفاع از زندگی و معیشتشان است.

کارگران خواستار تعیین

اعتراض خود ادامه دادند. کارگران نیشکر هفت تپه از آغاز سال ۱۴۰۰ مزدی دریافت نکرده اند و ندادن حق آبه کشاورزی این شرکت را با نابودی روبرو کرده و بدین ترتیب شغل و معیشت کارگران به خطر افتاده است.

دارودسته های شکست خورده اسد بیگی و حکومتیان با تشدید فشار بر کارگران نیشکر هفت تپه و دسیسه های مختلف از جمله نپرداختن دستمزدها، ندادن حقاچه و بیرون بردن اموال شرکت و تلاش برای امنیتی کردن شرکت تلاش در خنثی کردن موفقیت کارگران نیشکر هفت تپه و

امروز پنجشنبه ۱۳ خرداد ۳۰۰ نفر از کارگران بخش کشاورزی و بخش زیربنایی خدمات شرکت نیشکر هفت تپه برای سومین روز برای پیگیری مطالباتشان روبروی گیت ورودی در مقابل دفتر حراست شرکت دست به تجمع زدند. بنا بر خبرها در حرکت اعتراضی این روز از ورود سه نفر از کارگران جلوگیری کرده و یکی از ماموران پاسگاه هفت تپه که گفته می شود رئیس پاسگاه بوده است برای متفرق کردن کارگران اعتصابی اقدام به تیراندازی هوایی کرده و کارگران اعتصابی را به خارج از درب ورودی شرکت فرستادند. اما کارگران به

ایجاد کنند. از سویی دیگر با به گروگان گرفتن حقوق کارگران و حقآبه زمین های کشت نیشکر هفت تپه طعم پیروزی را بر کارگران تلخ کنند.

این چنین است که امروز نیشکر هف تپه در نقطه حساسی قرار دارد. نباید اجازه داد 5 سال مبارزه جانانه کارگران نیشکر هفت تپه دستمایه جنایتکارانی چون رئیسی و دارو دسته های او قرار گیرد.

پاسخ همه این توطئه گری ها همانطور که کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند اعتراضات گسترده آنان برای پیگیری حق و حقوقشان است. پاسخ کارگران حضور قدرتمند و اعلام خواستهها و سخنرانی و شعار دادن در مقابل فرمانداری همراه با خانواده ها و بسیج مردم شهر است. پاسخ تلاشهای حکومتی حمایت کارگران و همه مردم در حفظ دستاوردهای نیشکر هفت تپه این سنگر مهم جنبش کارگری است. پاسخ همانست که فعالین رادیکال کارگری دادند و بر پیشبرد قاطعانه مبارزات تاکید کردند. از خواستهها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ خرداد ۱۴۰۰، ۱ ژوئن ۲۰۲۱

نیشکر هفت تپه در واقع صف خود را از سازشکاران نیز جدا کرده اند و این درس بزرگی برای همه آنهاست. کارگران و همه حامیان نیشکر هفت تپه ضمن ارج گذاشتن بر مبارزات جانانه کارگران در این سنگر مهم جنبش کارگری همه چیز را رصد میکنند و در برابر لغزش بطرف این جناح و آن جناح حکومتی ساکت نخواهند ماند. کارگران و مردم کسانی را که با جنایتکارانی چون رئیسی عکس بگیرند، در صف همان کسانی میگذارند که جامعه سالهاست از آنها رو برگردانده است.

افراد سازشکار قبل از این نیز در پس جشن تاریخی پیروزی خلع ید از مالکیت شرکت سعی کردند خودی هایشان را جمع کنند و با سپاسگزاری از رئیسی جلاد بر پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه خاک پاشند اما مراسم بی رونقشان شکستشان را در مقابلشان گذاشت. این اتفاقات هشدار می دهد به خود این افراد و به همه کارگران است.

مقامات حکومتی و دارو دسته مافیای اسد بیگی که خود را شکست خورده می بینند در پی انتقامگیری از کارگران نیشکر هفت تپه هستند. از همین رو از یکسو تلاش میکنند با آغشته کردن موضوع هفته تپه به هیاهوی تبلیغاتی مضحکه انتخاباتشان تصویر درخشان مبارزات این کارگران را در نزد مردم تاریک کنند و در میان صف کارگران تفرقه

تاکنون قاطعانه و متحدانه بر خواستههای خود پافشاری کرده، در مقابله با این تلاشها نیز لحظه ای تردید بخود راه نمیدهد.

کارگران نیشکر هفت تپه از همان ابتدای خلع ید جواب محکمی به استفاده تبلیغاتی از پیروزی خود بنفع جناحهای حکومتی دادند و در رابطه با رای خلع ید از اسد بیگی نوشتند: "رای صادره توسط قوه قضائیه، نه لطف این یا آن، بلکه حاصل اتحاد و ایستادگی و پیگیری و مبارزه پنج ساله ما کارگران هفت تپه است. انواع و اقسام مسئولان و رسانه هایشان از این فاسدان حمایت میکردند و این ابرمختلسان، سلطان رشوه هم بودند اما قدرت جمعی ما قوی تر از همه این قدرت ها بود و هست!" و این نکته ایست که اسماعیل بخشی از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه نیز در جشن پیروزی خلع ید با صدای رسا اعلام کرد و بر اینکه این موفقیت نتیجه 5 سال مبارزه جانانه و متحدانه کارگران است تاکید گذاشت.

امروز نیز کارگران نیشکر هفت تپه قاطعانه در برابر چنین تشبثاتی ایستاده و میگویند پاسخ ما تجمع اعتراضی مقابل فرمانداری در اعتراض به هر سه قوه حکومتی است. این صدای کارگران نیشکر هفت تپه است و 5 سال است که این کارگران با همین عزم و اتحاد مقابل تمام توطئه ها ایستاده اند. با این پاسخ کارگران

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۶

این کارگران است. وضعیت نیشکر هفت تپه همچنان اضطراری است. از کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
13 خرداد ۱۴۰۰، ۳ ژوئن ۲۰۲۱

پاسخ کوبنده کارگران نیشکر هفت تپه به هیاهوی انتخاباتی: تجمع مقابل فرمانداری در اعتراض به هر سه قوه

یکی رای بدهند ما هم برنامه انتخاباتی خودمان را اعلام میکنیم:

نظر به ایام انتخابات ریاست جمهوری که ریاست جمهور به جای حسن روحانی جنایتکار قرار است بر صندلی او بنشینند و ادامه کارهای روحانی را بدهد و هیچ چیزش به نفع مردم نیست و با توجه به اینکه هفت تپه در حال نابودی است و علاوه بر غارت اموال کشت به طور کامل در حال نابودی است و انواع و اقسام مسئولین هم سرگرم انتخابات و بازی خودشان هستند، بدین ترتیب برنامه انتخاباتی پیشنهادی ما بدین شرح است: تجمع در درون شهر و برگزاری تجمعات اعتراضی در اعتراض به هر سه قوه و خواهان هر چه سریعتر اختصاص آب برای کشت و جلوگیری از نابود کردن هفت تپه."

تاکید بر خواستههای خود و اعلام یک تجمع اعتراضی علیه سه قوه کثیف حکومتی، پاسخ قاطع کارگران به نمایش انتخاباتی حکومتیان و تقلاهای مسخره آنها علیه هفت تپه است. این یعنی ادامه مبارزه متحدانه تا رسیدن به خواستهها. این یعنی کارگر هفت تپه همچنانکه

تکلیف فوری وضعیت مدیریت شرکت و گسیل یک نفر از سوی دولت و اداره آن تحت نظارت شورایی کارگران هستند و اعلام کرده اند که اگر فوراً معضل بی آبی حل نشود و دستمزدهایشان پرداخت نگردد اعتراضاتشان را گسترده تر خواهند کرد. بازگشت به کار همکاران اخراجی، بسته شدن پرونده های امنیتی و پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات از دیگر مطالبات فوری

از ابتدای موفقیت کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید از اسد بیگی، بخشی از مقامات حکومتی تلاش دارند که این پیروزی را به خود بچسبانند و برای منحنه انتخاباتی شان بازار گرمی کنند. این روزها در راستای این تبلیغات کثیف، از وجود عناصری از خود کارگران نیز که گرایش طرفداری از جناحهای حکومتی دارند بعنوان دستمایه ای برای داغ کردن تنور انتخاباتشان سود جسته اند. یک نمونه از این بازیها ترتیب دادن جلسه ای تحت عنوان مقابله با "ساختار فساد زا در ایران قوی" با شرکت نمایندگان دزد مجلس اسلامی به همراه کارگرانی از نیشکر هفت تپه چون محمد خنیفر و مسلم چشمه خاور از سوی ستاد ابراهیم رئیسی است. بعلاوه گفته میشود که همین افراد از اعضای ستاد انتخاباتی رئیسی این عضو کمیته مرگ هستند که هزاران تن از عزیزان مردم را با بیرحمی سلاخی کرده است. در پاسخ به این تلاشها کارگران نیشکر هفت تپه در پیامی چنین نوشته اند "با توجه به شروع تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری و اینکه افراد مشخصی را به صورت عکس هوا کردن که مردم راضی بشوند بروند به



رای ما اداره شورایی و نه گفتن به حکومت فاسد و تبهکار اسلامی است